

ماو ۱۶ آذر، ستاره، سخ آسمان جنبش دانشجویی ۲ ص

ازگان دانشجویی



۱۶ آذر



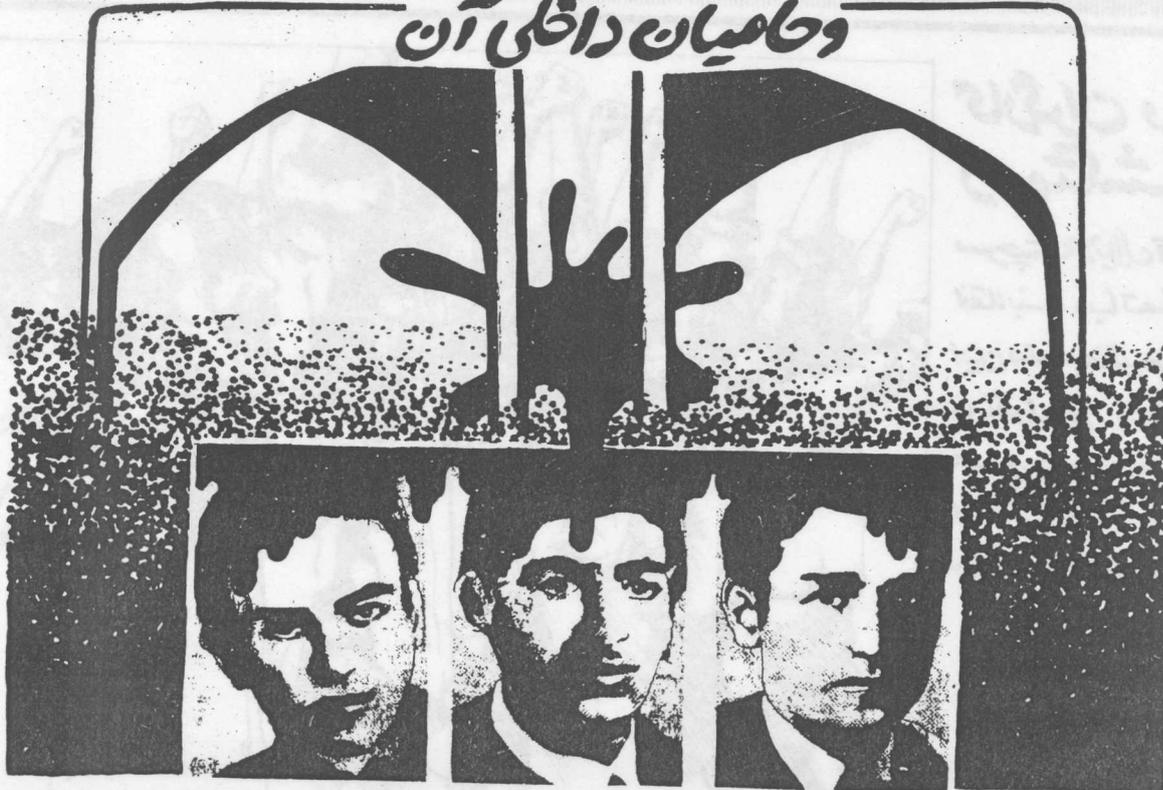
سال اول، شماره (۲) نوبت دوم آذرماه ۱۳۵۷ (قیمت ۲۰ ریال)

- برپایی رفرا ندوم و شیوه برخوردنیروهای سیاسی ... ص ۴
- گزارش گرامیداشت (۱۶ آذر) ص ۱۲
- ماوشوراهای دانشجویی (۲) ص ۴
- اخبار مبارزات دانشجویی ص ۲۲
- زنده باد لنینسیم! ص ۶
- درحوزه های رای گیری... ص ۸
- مشی چریکی به چه ص ۴ می انجامد؟
- هنر پرولتری... ص ۱۱



مرکز برای آمریکا

و حامیان داخلی آن



و مرکز برای آمریکا و حامیان داخلی آن



ماو ((۱۶ آذر))، ستاره سرخ آسمان جنبش دانشجویی (۱)

۲۶ سال از خون نهدن ۳ دانشجوگدشت ۲۶ سالی که هر سالش بخون نهدن بود برای پیکار جوانان و رنج و ستم و استثمار بود برای خلق قهرمان

۲۶ سال پیش پرچم سرخ جنبش دانشجویی ایران با پیراهنهای خونی ۳ شهید پرفراز دانشگاه به اهتزاز درآمد، پرچمی که صدها پیراهن خونی دیگر تا کنون بدان افزوده شده است.

۲۶ سال است که فریاد **اجتاد خلق بسرا** مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع مبنی بر پیروزی کارگران و زحمتکشان دانشگاه رابه یکی از سنگرهای مستحکم مبارزات ضد امپریالیستی توده هایدل کرده است.

و مادر آستانه بزرگداشت ۲۶مین سالگشت عید خون جنبش دانشجویی ایستاده ایم. آستانه ای که خود صادق با شراکتی ویژه و خطیر در جنبش خلق ماست.

"لنین در مجلس یاد بود یکی از انقلابیون - گفت مارکسیستها برخلاف آتکمانیکه با سو نظر بمنظور درونگویی و فریب مردم فقط به سخنان زیبا و صدامی های مبتذل انگتا می کنند، از مراسم یادبود انقلابیون نقید برای طرح وظائف خود استفاده می نمایند."

و چنین است که در آستانه "روز دانشجو" بارگران وظایف خطیر دانشجویان انقلابی در مجال مبارزات توده ها، سنگبری بسوی زحمتکشان و ... رخ می نماید. وظایفی که برای انجام بسیاری از آنان هنوز افاقد امسی جدی صورت نگرفته است.

۱- چرا ۱۶ آذر پدید آمد؟
 دوران ۲۲-۲۰، دوران در حین جنگ صراحتاً، دوران عدم تثبیت کامل هیئت حاکمه ایران است. اعتلا "انقلابی توده" روجه انقلاب دارد وحدت بسابقه تضادها در جامعه نیمه فئودالی ایران میکوشد تا قفس تنگ روابط کهنه تولیدی را در هم بشکند.

بروز جنگ جهانی، امکان تنفس نسبی رابه اقتصاد ملی داده و در عرصه جهانی هنوز امپریالیزم بطور کلی و همه جانبه ای ضربات جنگ را بر خویش ترمیم نکرده است. رشد و گسترش مبارزات رها نمیشد خلقها، غریبو پر خروش آزادی و استقلال ز ابرسراسر کوره ارض ظنن انداز میگرداند، پروتاریای قهرمان مپهن ما با استفاده از شرایط ضعف نسبی

امپریالیزم در مپهن و آزادیهای بسیار نیم بند بورژوازی فرصتی برای شکل و آگاهی یافته است اما فاقد حزب پیشاهنگ خویش ستاد رهبری کننده جنبش است. در عوض رهبرانی - رفرمیست و سازشکارها آتکا به اندیشه های خرده بورژوازی رهبری خویش را بر زحمتکشان، تحمیل کرده اند. حزب توده بجای در آمیختن با جنبش توده و ارتقا آن، بجای استفاده از موقعیت انقلابی در کردستان، آذربایجان و اتحادی خود ستا و اعتلا "انقلابی" در سراسر کشور، به معامله چند پست با هیئت حاکمه ضد خلقی "قوا" و قوامها "سرگرم بوده و" اینزیمون اطیحضر شاه جوان "ایران است.

حزب توده بجای آنکه از درون مبارزه طبقه کارگر توده ها جوشیده باشد، حزبی است از بالا تشکیل شده که رهبری آن در دست روشنفکران خرده بورژوا و پیاوژواهاست است که مارکسیسم را با لهجه اشرفاقت آموخته اند. حزب توده بجای آتکا "بسه توده ها به بالا نظر دارد.

حزب توده بجای فیر انقلابی به آشتی طبقا گرایش دارد و نشان خواهد داد که چگونه رهبرانش میتوانند در موقع لزوم، هنگام مبارزه و انقلاب، میدان را بسرعت برای حفظ جان خود خالی کنند.

بیک کلام، جنبش توده ها با بالاست، هیئت حاکمه ضعیف است و حزب توده الکترا تیسو نیرومندی در مقابل هیئت حاکمه است. اینا خیانت نارهبران مبارزات شکوهمند توده ها زحمتکن ما رابه شکست میکشاند و کودتای ۲۸

مرداد، دولت بورژوازی ملی صدق راکه خصلتا" ناپهگرو سازشکار بوده درهم میکشد. کودتای ۲۸ مرداد، اثباتناپهگیری بورژوازی ملی (صدق و جبهه ملی) و خرده بورژوازی (حزب توده) در به سرانجام رساندن انقلاب در موکراتیله بود و ضرورت حزب طبقه کارگر رهبری اترا بخوبی نشان میداد. کودتا انجام میگردد. رهبران خیانتکار بجای استفاده از تانسلیل جنبش توده می گیرند، اما جنبش آرام می یابد. توده ها بسه مقاومت و خد بخودی صراکندند دست می زنند، هر چند رهبری خیانتکار حزب توده و ناپهگروان و سازشکاران صدق در دست روی دست گذارده اند، اما قلب انقلاب هنوز می طپد. سفیر آمریکا برای سرکشی به نوکتر به ایران می آید و از ارتقا می آید.

روزخونین ۱۶ آذر گواه درخشانی بر وجود اعتلا "انقلابی، مقاومت خلقی و تانسلیل بالای توده هایسراست" مرداد است. نشان میدهد که توده ها قابلیت در هم شکستن توطئه های کودتا دارند. نشان میدهد که عوامل عمینی اوچگیری مبارز را و مقاومت خلق وجود داشت. نشان میدهد که راههای روزیونینستهای خائن حزب توده مبنی بر "نیود امکان مقاومت" بسرای پوشا ندن خیانت است. تظاهرات توده ی تهران بر علیه امپریالیسم آمریکا، دلایری خلق وینونی و خیانت رهبران رابه نمایش می گذارد

۱۶ آذر، اعتلا "انقلابی، مقاومت خلق را بنمایش میگذارد و خیانت سازشکاران و فراریان را آشکار می کند و اهمیت مبارزات دانشجویی را در عرصه انقلاب در موکراتیک مپهن متذکر میشود.

پدید آمدن ۱۶ آذر را باید از سوتی در توده و انقلاب به وعده شکست کامل (ولسی قریب الزموت) آن و از سوی دیگر راهمیت به مبارزه جوانان دانشجویان انقلابی بسر علیه امپریالیست و در حقیقت پرچم انقلاب

در موکراتیک تا تمام مپهن ما در ۱۶ آذر، بسر دوش دانشجویان انقلابی حل میشود و نقش دانشجویان انقلابی را در مبارزات ضد-امپریالیستی توده ها یادآور میشود.

۲- جنبش دانشجویی پس از ۱۶ آذر: شکست انقلاب در موکراتیک مپهن ماحد و سال ۳۴ بعد ترین شکل خویش، روحیه "یا" س و نا امید ی را بر جنبش همراه آورد. مارکس به گوگلمان در بسوجه نسررد کون نوشته بود. "شکست اقدام انقلابی پروتاریا بر کتر است تا دست کشیدن از موضع اتخاذ شده و تسلیم بدین نبرد: جنبش تسلیمی روجه پروتاریا را می شکند و سوان پیکار را از تسلیم می کند." مبارزات کارگران صنعت نفت، زحمتکشان، خلقها، جوانان انقلابی، دانشجویان و دانش آموزان و - نیز اقربان نظامی و انقلابی بس خاطر

عدسازماندهی درک حزب پولادین بر اکنده و بدین رهبری، ره بجاشی نی برود. ستد زنج پتانسیل انقلابی توده ها، دم گرم "مبارزه طبقاش خلقی" به سردی من گراید. آتش پر لهنب خلق بخاطر خیانت نگهبان نابکارانش روجه خاموشی میرود. جنبش دانشجویان انقلابی متاثر از جریان تا موجود جامعه گرما بسش و از دست میدهد. از آتاکه دانشجویان انگس گروهبند پها و بدرون جامعه آند همان ضعفها، زونتها و... بر جنبش دانشجویی مسلط می شود.

با اوچگیری مبارزات توده ها، بسراز مبارزات خونین کارگران کوره پزخانه ها پس از ۱۳۳۸ و خصوصی هنگا اعتلا "انقلابی جنبش خلق در سالهای ۴۲-۳۹ جنبش دانشجویان انقلابی متاثر از جنبش خلق اوج میگردد. تظاهرات اردانگاهه بس خیابانهای اطراف کشیده میشود و جنبش به جلوی مجلس تیزنی کشید!! دانشگاه توسط تیپ زرمی اشغال میشود

مبارزگران و زحمتکشان
 سرچشمه لایزال قدرت و توان انقلابیاند. با تمام نیرو با این منبع عظیم و توان بخش در آمیزیم. یافتن راههای عملی چنین پیوندی، اساسی ترین گره گزونی جنبش دانشجویی را میگذشاید.





ماوراءالنهر...

دانشگاه همدان تعطیل میشود اما...
 اما برجین دانشجویی، امیرالیم سوار است.
 از راههای ۲۲ روزی طی، تصرف
 وضعیتشده، در مقابل رشد سرمایه
 امیرالیمتی در صحن ماوراءالنهر
 و تدریج با خصوصیات ملی خویش و داع
 می کند. حزب توده لاشه متعنی شده
 که در خارج از کشور در می کند و سود
 تعفنش امیرالیم و ریزشیم را از آن سوی
 مرزهای جیش دانشجویی بسته
 ارمان می آورد. جریان مارکسیستی در
 دانشگاه چشم می خورد و در مکتبیم
 خرد بورژوازی که مدعا "در قالب مذ هب
 خود را بیان می کند، هنوز در دانشگاه جا
 پای یافته است و چنین است که
 شعار بورژوازی "اصلاحات ارضی آری
 دیکتاتوری نه نه" بر سر در دانشگاه پرچم
 میشود. پرچم یونی حزب توده و جبهه ملی
 پرچم سنگین افتادن دانشجویان انقلابی
 کام امیرالیمها

دانشجویان امیرالیم را نمی بینند و هدف
 گزافی دهند، در عوض اصلاحات ارضی
 امیرالیمتی، توطئه جدید جهانی مریا
 لیستهای برای جلوگیری از انقلاب سر
 چشم خویش می کند و فقط امیرالیم و ار
 دیکتاتوری شاه می نالند. (۱)
 در مکتبیم انقلابی توده هادره ۱۰ خرداد
 بر تشیبات امیرالیم خلیفان میکند دلیل
 خون شهیدان ۱۵ خرداد است و توطئه
 های امیرالیم و ریزشیمتی خلیفان
 می کند. در است درون جیش را در افغان
 و انارکسیستی "آینده را می کار! خشم
 خلق زیاده کشیده" امیرالیم راه را بر
 در ریزشیمتی امیرالیم ریزشیمتی گذار
 مسائل امیر... بسته است و چنین
 است که خشم آتشین روشنفکران خرد بورژوا
 که نمی دانند با یانی توانند با جیش طبقه
 کارگر با یزید (نفسی نقل معنی) آگاه و روش
 در جهت طلبانی می کشد. جنسیت
 ۱۵ خرداد بر روی رزم امیرالیم انقلاب را
 به شکست میکشاند و مرادیه داری انبلا در
 جهت عدم گذارن انقلاب و رشد نیروهای
 مولد آزادی در درون صحن جنگل مرغان
 راه خون زحمتکشان و منابع قیمتی مسا
 فرو می کشد.

جیش شکست می خورد. اما با خویش
 شکست راههای مسائل امیرالیم
 ریزشیمتی امیرالیم دارد اما دانشگاه
 هنوز با شکست است. هنوز کار در ناخشم
 غضب آتشین روشنفکران جدا از توده
 طبع امیرالیم با عداوت و جانبازی لطمیان
 کند. بنوعی، با سفیم، کند بدگسی
 ریزشیمتی جیشی برین برید، امیرالیم
 خلعها و طبقه کارگر را فرو می کشد و خود را
 بنشیند هنوز خشم آتشین روشنفکران، نوام
 نرفته است، اما هم چون آتش زردا کستر
 خود را برای سال ۱۳۴۹ برای شاه کسل
 آماده می کند.
 حرکات پراکنده، صحنی و گاه بندرت سیاسی
 یکی در یاد بود ۱۶ آذر...
 و مهمترین آن بزرگداشت جهلم شهادت
 فرمان ملی خلق، مباحث پهلوان تختی
 است.
 این حرکت در خشم عظیم در جیش دانشجویی
 است. ستاره ای است که بناگاه در آسمان
 طلوعه میهنان می درخشد تل ستاره ای
 که بدلیل نبود شرایط معنی و ذهنی حتما
 تنها خواهد بود و زود هم فرو خواهد کرد اما
 این حرکت پس در خشم است. نشان
 میدهد رفتن بدون توده ها، چه

جیش عظیمی از خلق، چه میل خروشان
 را بهر راه دارد. نشان میدهد که خلیف
 طریقم شکست پس از خرداد ۲۲ هنوز سر
 انقلاب بر پرچمانش ستاره های امید فردا
 بسیار کاشته است. نشان میدهد که راه
 سوی توده است. نشان میدهد که خلقها
 همه چیزند و باید و باید باید با آن در اجخت
 امیختگی که پس از ۳۱ سال در گرانی بلیط
 اتیون بارد بگرمایان میشود و بار دیگر
 دانشجویان را در کنار توده هادرارازت
 در مکتبیم و ضد امیرالیمتی مکانی ویژه
 می بخشد.

اگر ویژگی جیش دانشجویی در دوران اول
 (۲۹-۳۴) (شکست ۲۸ مرداد ۳۰)
 تا زمان ضعف است و اگر ویژگی دوران دوم
 (۳۴-۳۹) طبعه رزمیم و امیرالیم
 بر جیش دانشجویی است در آن سوم (۳۹-
 ۴۲) دوران سردرگمی، دوران سکوت
 پیش از طوفان، دوران
 و بالا خرد دوران حرکات خود بخودی و
 پراکنده، بسیار ضعیف در مبارزه طبقه
 امیرالیم و برای در امیختن با توده هاست.
 دوران چهارم پس از میاهکل، وانعکاس
 مشی چریکی در درون دانشگاه آغاز
 میشود.

جیش دانشجویی با صفر گوله های
 میاهکل انعکاس مشی چریکی راه تنها
 در خود با رزمی کند بلکه درین دوران زیر
 سیطره آن قرار میگیرد و میاهکل تا ۱۹ مهر
 ماه ۱۳۵۷ (۱۲ آبان) مشی چریکی
 به عنوان یگانه راه حل انقلاب با خلق
 جاذبه ای که خون شهیدان قهرمانان
 ایجاد کرده بوده به هوا خواهد مشی چریکی
 روی می آورد. دانشجویان همدنی
 ندارند جز آنکه در آینده چریک شوند. بدین
 ترتیب آنان موظفند "خود را سازند" که هنوز
 کشنده و ریزشیمتی، در نظرات غیابانی
 شرکت جویند. اعلا میه های چریکی
 را پختن و تکثیر کنند تا بدین ریح در ملی
 پیروسه تکلی امکان راه با یی به سازمان
 چریکی و تبدیل به قهرمان شدن
 را داشته باشند. با چنین دیدی توده
 جیش توده ها اهمیت دارد که جیش طبقه
 کارگر پیوند با یی جیش هانه تبلیغ و ترویج
 مارکسیسم - لنینیسم اهمیت دارد و توده
 شناخت تئوریک معضلات جیش، چرا
 که برداختن به تئوری کار پر توتوس است
 و قهرمانان، چریک را از کار اصلیشان بازمی برد
 اینجا کار توده ای انقلابی نه در میان طبقه
 کارگر مطرح است و نه از میان دیگر توده هاست
 و نه حتی در میان دانشجویان

جیش دانشجویی به تابه جیش انقلابی
 که بتواند توده دانشجویان ضد امیرالیمتی
 را بر طبقه امیرالیم بسیج کرده و دانشجویان
 کمونیست را پرورش داده برای رهبری
 جیش تربیت کند مطرح نیست. توده های
 دانشجویی نمی آید. مبارزات دانشجویی
 در خدمت اهداف سازمانی، سازمانهای
 چریکی، در خدمت خود سازی عناصری
 که میخواهند قهرمان شوند در می آید.
 مبارزات دانشجویی کاری است حقیق
 با یستی به درجه متعالی خویش یعنی
 چریک شدن بنیامند. چریکهای قهرمان
 مشغول کار اصلی خویشند و رتبه کارهای
 حفر، مانند هسته های صفی - سیاسی
 ساختن در دانشگاه و حتی هز رتبه در
 میان طبقه کارگر و بگرا تار بعد دانشجویان
 است آنان با یستی با یی هسته هادراد
 جیش مسخانه پشنتاز (بخوان: مشی
 چریکی روشنفکران جدا از توده) را در میان
 توده ها تبلیغ و ترویج کنند. آنان با یستی
 خود را آماده کنند تا در آینده در جگه
 قهرمانان در آیند. (هسته های
 صحنی - سیاسی نقل معنی انبیا دانشجویی

چریکهای فدائی خلق آذرماه ۵۶)
 قهرمانان کار اصلی که انقلاب با یستی
 رایگانه به انجام میرسانند و "کوتوله ها"
 (دانشجویان) باید کارهای ساده را به
 عهده بگیرند، کارهایی که تا ۳۰ سال
 بیشتر زندان ندارد اما قهرمانان کشته
 جیش اید و اعدام برایشان همی مهم نیست
 باید کار انقلابی را بر دانه و ولنته در نبرد
 تیره تن با مزدوران امیرالیم به یستی
 بر نهند.

بدین ترتیب مشی چریکی (در زمان
 پیدایش) دارای یک هسته انقلابی
 است. گروه خواب روینوینوینوینوینوینو
 آتشید و گریه در میان دانشجویان روشنفکران
 "ب و تاب" انقلاب ایجاد می کند و آنان
 را با هر عملیات چریکی به وجد می آورد و خشم
 غضبان را بر اهمیت ترمی کند، اما از تماس
 با توده ها، این روند بازحمتکشان، تلفیق
 آگاهی سوسیالیستی با جیش پرولتاریا
 و نهایتاً از رهبری جیش عاجز است. او -
 نمی تواند طبقه کارگر را بسیج کند، نمی تواند
 با کار در میان توده ها با بریدن آگاهی
 سوسیالیستی بدون توده ها، این آگاهی
 راه نیروی مادی عظیمی به ل کند که
 تاریخ را در گون سازد و چنین است که
 مشی چریکی در درون دانشگاه نیز انعکاسی
 حرکات جدا از توده خود را می یابد، گرچه
 امیرالیم و ریزشیمتی از دانشگاه می گریزد
 یا خود را موقتاً پنهان می کند، اما وظیفه
 اساسی کونین تها در مقابل جیش دانشجویی
 یعنی، تبلیغ و ترویج (م - ل)، رهبری
 مبارزات ضد امیرالیمتی دانشجویان و -
 پیوند با زحمتکشان و با یستی کارگر امیرالیم
 نمسازد. خشم آتشین دانشجویان را -
 نسبت به خفقان و "دیکتاتوری" امیرالیم
 اقدامات پرشور "عرضی" به نحو
 در خشان نمایان می کند.

عکس المعطی است از روشنفکران آتشین
 مزاج بر طبقه دیکتاتوری حاکم با شیوه ای انقلابی
 ولی خرد بورژوازی، دانشجویان را حول
 ایده های م - ن متشکل نمی کند حصول
 مبارزات ضد امیرالیمتی سازمان نمی دهد
 حول پیوند با زحمتکشان بسیج نمی کند.
 و چنین است که نه یی تشکیلات توده ای -
 (م - ل) بجای تنه نقاله یک سازمان
 (م - ل) ایجاد میشوند یک حرکت
 سازمان یافته و اصول برای پیوند با
 زحمتکشان، اما با اینهمه در این سالها
 دانشگاه بسیار بسیار پر خروشان است.
 دانشگاه بر طبقه امیرالیم

طبقه ای می کند و می ریزد. اما رزمی
 که فقط دانشجویان پیشرو در آن شرکت
 دارند، مشی چریکی نمی تواند مبارزه
 را توده ای کند و قنابخشد. برای پیوند
 با زحمتکشان نیز هم چنان اقداماتی صورت
 می گیرد. اما این اقدامات نه کافی است و
 نه اساس یک تئوری انقلابی انجام میگیرد،
 پراکنده و خود بخودی است. نظرات
 در مصلحت فقیر نشین برای اولین بار پس
 از ۱۶ آذر انجام میگیرد.
 شعارهای "بان - مسکن - آزادی"،
 "از خلقی و گزانی مردم به تنگ آمده اند"،
 "کارگر - دهقان - دانشجوی"، "این شاه
 آمریکایی اقدام باید کرد"، "زحمتکشان
 بداند شاه و لجن فروزان است" و... در این
 محلات قریب میشود. در زلزله و سنبه
 دانشجویان بهمان مردم میروند (از دوران
 سوم این امیرالیم انجام گرفته است، آغاز
 این حرکت را میتوان زلزله پیشین زهراسین
 و حرکت وسیع دانشجویان در این مورد دانست)
 اعلا میه ها و تراکتها می که اکثر با یستی
 غیر پرولتاری نشانده میشد ولی بهر حال محتوا
 در مکتبیم و ضد امیرالیمتی داشت پخش

می شود، مشی چریکی در دانشگاه غالب
 است و همه چیز از این دیدگاه نظر می
 میشود. جیش دانشجویی نه به تابه
 یک جیش توده ای که با یستی بر طبقه
 امیرالیم بسیج شود با یستی مارکسیسم -
 لنینیسم را با یست و بصورت توده نقانده
 (م - ل) توده ای در آید، بلکه زانده ای
 از مشی چریکی، مشی قهرمانان در می آید
 و مبارزه توده ای دانشجویی به قیمت
 برخورد های غیر پرولتاری مشی چریکی
 و زانده آن شدن بهراموشی سرده میشود.
 اما مشی چریکی در تئوری صراحتیک به
 پس بست میسود. جیش تونده خلق بر
 شته تئورهای چریکی خلیفان میکند،
 می آموزد که خلق است که باید انقلاب کند
 نه روشنفکران جدا از توده، نشان می دهد
 که ریزشیمتی و خود توده این تنها دلیل تزلزل و
 نفی کننده عظمت توده، خیالی بیش نیست
 و کم گرم پشاهانت معط می تواند بخ روشنفکران
 خود بورژوازی کند، خلق بالا خرد
 بر می خیزد و درون مکتبیم را می شکند. اما
 برخاستن یک قانونمندی دارد. طبقه
 یک قاعده خاص خلق دوران سکوتی را می -
 کند و وقت پولاد نشی را با می برد و طبقه
 کمونیستهای نیست که در دوران افست
 جیش سرخود را محکم به دیوار می کشد بلکه
 با یستی بنیان توده هابرود و آنها را بر
 فردا، برای روزی زانستن پرشکوه نشان
 سازمان دهند و مبارزاتشان را در همان
 افت جیش نیز رهبری کنند اعتلا انقلابی
 مشی چریکی را در دانشگاه تا حد و زیاد
 در هم می کشد، در انقلاب مشی چریکی
 از سوی بخش (م - ل) مجاهدین خلق
 از آنجا که خود این سازمان یک سازمان
 چریکی بود بر شکست مشی چریکی در درون
 جیش دامن میزند.

دوران چهارم بهایان می رسد
 و دوران پنجم درون حرکت و فعالیت
 مشی توده ای انقلابی در دانشگاه آغاز
 می شود. اما نظرات شکوهمند ۲۹ -
 مهزابه و ۳۱ آبان نخت رهبری دانشجویان
 به یست مشی توده ای انقلابی است.
 شعار جمهوری دیکتاتوری خلق پرچم میشود
 و حرکت آغاز میشود، حرکتی که مبین با یستی
 با رتبه کارخانه هادره مین مسیاه
 به اف خود برسد.

مشی توده ای انقلابی ۲۴ که در دوران
 زبونی و گند دیکتاتور فرامیده عمل تنها
 در راههای ۲۹-۳۱ بر سر راههای امیرالیم
 را می بیند و پس از آنان نیز در طغیان
 به موانع ریزشیمتی خروچی میسازد،
 سنگین ترین تزهایی سازش طبقاتی است.
 در دوران چهارم حاکمیت مشی چریکی
 - حزب توده که با عداوت قهرمانها و موکران
 تیم انقلابی در رفتار است او که نشه
 تنها مارکسیسم را به روزی فروخته است.
 بلکه مو کرانیم خرد بورژوازی است
 لهجولی معامله و بند بست و را بر یزیم
 محمد رضا شاه میگوید. چنین است که
 حزب توده شروع به نصیحت چریکها می کند،
 چون بودن و ناخفته بودن نشان را به
 رخ هیبت حاکم میکند. اما استقامت
 ارضیت حاکم می خواهد که "جانور کربنهای"
 آنها را بحساب و نشانند، او حتی و میخانه
 تر، دیکتاتوری دشمنان محمد رضا شاه
 را که نشانه افج سلطه امیرالیم بر
 ضهان مابود، با هزار رنگ تئورهای ریزشیمتی
 یونیشی به رزمند، چریک نسبت میدفد
 اما مبارزه طبقاتی دشمن است، او به
 انقلاب تضاد دارد، اما قهر انقلابی
 بغه در صف ۱۱

هرچه گسترده تر باد پیوند دانشجویان انقلابی با زحمتکشان

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر



موضوع مجلس مو" سنان به جریبان
ماحصل مبارزه طبقاتی بین بورژوازی
صورتیاریستی تام دارد" (لنین)

مادرشماره قبل ۱۶ اثر در شماره
طت تشکیل مجلس خبرگان، ترکیب
طبقاتی آن و اینکه موانع صوم آن در
خدمت منافع چه طبقاتی قرار دارد، مطالبی
بیان داشتیم. در این مقاله به بررسی
طل جلب حمایت توده ها از فرانسوا
قانون اساسی و نیز چگونگی برخورد نیروهای
سیاسی جامعه با آن میپردازیم:

مهمترین نکته گاههای هیئت حاکمه
برای کشاندن توده های حوزہ
رای گیری چه بود؟

بنظر ما بهترین ابزارهای رژیم برای
کشاندن توده ها به پای صندوقها
رای را باید در عوامل زیر جستجو نمود:
الف: نقش رهبری خرده بورژوازی روحانی
موجود در هیئت حاکمه:

۱- رهبری خرده بورژوازی بدلیل اینکه
طلی یکدوره توانسته بود در شرایط فقدان
صف مستقل طبقه کارگروستادزمنده اش -
حزب کمونیست - رهبری مبارزه ضد -
حلقه‌ی - ضد امپریالیستی توده ها را تا
سرنگونی سلطنت (ونه کل سیستم سرمایه‌داری
وابسته) بدست گیرد، و از طرف دیگر
بعملت داشتن نقش رهبری مذهبی مردم و
استفاده از این عامل مهم مذهبی، هنوز
از نفوذ عمده ای در میان توده ها
برخوردار است. این موضوع هنگامی
روشنتر میشود که علاوه بر عوامل فوق
فقر شدید فرهنگی و پایین بودن نسبی
آگاهی سیاسی توده ها را که ریشه
در پایداری شدن و حیثیانه ابتدائی ترین
حقوق دمکراتیک آنان در طول حکومت
فاشیستی شاه خائن واریا با امپریالیستش
و نیز خیانت وزیرینستها و انحرافات
مشق چریکی که مانع از پیوند کمونیستها
با توده های گردید دارد، در نظر
داشته باشیم - و این وظیفه نیروهای

آگاه و انقلابیون راستین خلق است
که در جهت ارتقا و تکامل آگاهی سیاسی
توده هایکشوند - اما آنچه که در اینجا
درخور توجه جدی است، اینست که درجه
فرزندان قانون اساسی، هیئت حاکمه
همچون گذشته کوشش نمود تا از این نقطه
ضعف توده ها حاد اکثر استاده رادرجلب
حمایت آنان برای تصویب دستخاست
"خبرگان" بنماید. رهبری خرده بورژوازی و
گروهی دیگر از مراجع مذهبی رای دادن به
قانون اساسی را متحد یک "مرفه" مذهبی

برپایی رفاندوم

و شیوه برخورد

نیروهای سیاسی با آن

همچنین

آیت الله روحانی

درست مثل اینکه

مسئله ای شرعی از وی

استفسار میشود، میگوید:

بدنیال سوالات گروهی از مردم سلسله

ایران در مورد تکلیف شرعی آنان در امر
سرک در فرزندم قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران به اطلاع
عموم برادران و خواهران مسلمان میرسا
تم که... این قانون اساسی از نظر
ما کاملاً "اسلامی" است و وظیفه هر مسلمانی
متعهد و آگاه است که با شرکت در همه
پرسی روزگشته و دادن رای مثبت
وفاداری خود را نسبت به اسلام
و مدت گله خود را برای باریگ
شان دهند.

(بامداد ۱۰ آذرماه - تأکید از ما است)

آیت الله وحیدی نیز میگوید:

... رای دادن به آن (قانون
اساسی) از لحاظ شرعی بی اشکال
است. بلکه در طلیعه استقرا حکومت
جمهوری اسلامی که یک فریضه دینی
و وظیفه ملی است از برادران و خواهران
ایمانی انتظار می رود که با شرکت اکثریت
تربیه با اتفاق رشد دینی وطن خود را
به ثبوت رسانیده و دشمنان انقلاب (!؟)
را از هرگونه طمع در اخلال و ایجاد
بلوا یا "پوس سازند" (!!!)

(کیهان ۷، آذرماه تأکید از ما است)

آیت الله سید صادق شریعتمداری نیز
مخالفتن قانون اساسی را از "بیزدیلان"
می دانند!! ...

لنین می گوید:
... گله تلا شهایی که خرده بورژوازی
بظور عام و دهقاتان بالا خص بعمل
آورده اند، برای اینکه از نیروی خود آگاه
گردند و اقتصاد و سیاست را بشیروه خود -
شان هدایت نمایند تاکنون همه به
شکست انجامیده است. یا تحت رهبری
پرولتاریا و یا تحت رهبری سرمایه داران -
شق ثالثی وجود ندارد. کلیه کسانیکه

واکنون نیز میگوید: "سرنوشت پایه همین
قانون اساسی است "بعدا" هم حتماً به
توده ها خواهد گفت بگذارد مجلس شور
تصمیم شود و رئیس جمهور معین شود
همه کارها درست خواهد شد!!
براستی چرا چنین است؟ - چون
خرده بورژوازی نمی تواند برنامه و شی مستقل
داشتن باشد.

ب: ژست ضد امپریالیستی گرفتن
هیئت حاکمه:

همانگونه که در شماره قبل گفتیم هیئت
حاکمه بدلیل ماهیت طبقاتی اش، منافع
خود را نه در تدوین انقلاب با تقاطع کامل
سلطه و نفوذ امپریالیسم و نابودی سرمایه
داری وابسته بلکه همواره در ترسهای
زخم خورده امپریالیسم در ایران و حرکت
بسمت وابستگی جستجو کرده است و تمام
عظمت های این رژیم در طول ماههای پس
از قیام خود بهترین گواه نظر ما است.

اما اکنون همین هیئت حاکمه در امپریالیسم
با امپریالیسم میزند!! چون از میزان خشم
و نفرت خلقیای رزمنده و سازش ناپذیر
ایران نسبت به امپریالیستها و رواس آنها
امپریالیسم آمریکا آگاه است، چون میدانند
که توده ها محرومیتها، شکستها و کشتار
های ۲۵ ساله گذشته را از چشم امپریالیسم
می بینند و هیئت حاکمه نیز نمیتواند این
لباس - که به سهارم برتنش گشاده است -
می کشد تا انتفاح انتخابات شوراهای
شهر" دپازه تکرار نشود.

ج: صادف بودن با ماه محرم:
رژیم کما احساسات پاک مذهبی توده
های خلق را فداست بخوشد تا از
این امر نیز در تصویب "تورات" خبرگان
حد اکثر استفاده را بنماید. این شیوه
تمام رژیمهای ضد خلقی است تا آنجا که
میتوانند بر زمین آگاه خلق تکیه کنند چون
بخوشی میدانند که آگاهی توده ها، سرگ
ارتجاع را نیز بدست ترمی کند. رژیم در ضمن
کوشید با یادآوری تظاهرات پیسر
شکوه تا سوفا و عاشورای سال قبل در خاطر
توده ها، توسط تلویزیون، رادیو، مطبوعات
و... از همجان و شورمازاش آنان
بنفع اهداف ضد مردمی خویش سودبرد.

د: جادو و جنجال تبلیغاتی هیئت
حاکمه در مورد برقراری "صلح"
در کردستان و پروا بردن خواسته
خلق کردستان:

هیئت حاکمه پس از پیش صلبی اش به
کردستان با عطاوت پولادین خلق کرد
مواجه شد و اکنون که با شکست مفتضحانه ای

نیرومی تواند خود خویش را منتظا هر
سازد و چراغ را نشان در این راه همواره در
تاریخ نگه انقلابها به شکست انجامیده
است. هرگاه پرولتاریا موفق نشود
انقلاب را رهبری نماید، این نیرو
همیشه تحت رهبری بورژوازی قرار میگیرد
درنگه انقلابها وضع بدین منوال بوده
است و البته روسها هم باروشن مقدس
تظهنر شده اند و اگرخواهند در جرگه
زوات مقدس درآیند، چیزی جز شکست
از آب در نخواهد آمد. بدیهی است
که رفتار تاریخ با ما هم همانگونه است
که با دیگران (لنین، سخنرانی
درنگره کشورهای کارگران حمل ونقل
رومبه ۲۷ مارس ۱۹۲۱ - تأکید از ما است)
صحت گفته های فوق را با میان در سیرا

انقلاب ایران بخوشی مشاهده می کنیم
خرده بورژوازی رهبری آن بعلمت ماهیت
طبقاتی اش که وی را از داشتن یک "مشق"
مسئله محروم میسازد. علاء دنیاله رو
برنامه های بورژوازی شده و دقیقاً بعلمت
نداشتن پرنسپ و شخصیت سیاسی مستقل
فریب سیاستهای طراحی شده و نقشه ضد
بورژوازی را میخورد. لنین در این خصوص
در مقاله "تومات مشروطه خواهی" میگوید:
"فرق بورژوازی بزرگ با خرده بورژوازی آن
است که اولی از روی تجربه سیاسی و -
انتصابی شرایطی را که تحت آن "نظم"
(یعنی سرکوب مردم) در سرمایه داری
میتواند حاکم شود، آموخته است. بورژوا
ها اهل کسب و کارند آنها افرادی هستند
که معا ملت تجاری بزرگ را انجام داده
و به پیاده کردن موضوعات سیاسی بنحو
آکیدا" منظم آشنا هستند (تأکید از ما -
ست)
خرده بورژوازی، بویژه لایه بالا نسبی
آن رهبری، به لحاظ دارا بودن مشخصات
که در فوق اشاره شد، در ماههای پس

هیئت حاکمه با استفاده از احساسات پاک مذهبی مردم و برانگیختن آن در ماه محرم، ژست ضد امپریالیستی جارو و جنجال عوام فریبانه صلح در کردستان و کلاً با ناآگاهی و توهم توده ها قانون اساسی از تجاعی رابه خلق تحمیل کرد. اما خلق ها از این ورق پاره ها بسیار دریده اند.

روبرگردیده و فرستادن ارتش، سیاستمدار
و تجهیزات نظامی دیگر از بخشی خود را از
دست داده است. موز پانته میگوید:

بورژوازی لیبرال همواره کوشیده است
تا از مذهب که خرده بورژوازی سخت بدان
دل بسته است، حد اکثر استفاده را بنماید
و برنامه هایش را تحت پوشش "اسلام" به
خورد وی و توده های زحمتکش و ناآگاه
خلق دهد و از طرف دیگر خرده بورژوازی -
نداشتن مشق و برنامه مستقل را در طول
این مدت بخوشی به نمایش گذاشته است.
گافای است بهادار بوریم که چگونه رهبری خرده
بورژوازی جریان "فرزاندوم جمهوری اسلامی"
را نقطه پایان بحرانها و شتات اقتصادی و
سیاسی میدانست بعد عین همین جملات
را در مورد "مجلس خبرگان" تکرار کرد

در آرزوی این شق ثالث هستند
پنداریان و موهوم بیستان پوچ اند
سیاست و اقتصاد و تاریخ دست در به
سینه آنها میگذارد. تمامی آموزش
مارکس نشان میدهد که چون درآمده
خرده پا مالک وسایل تولید و زمین است
لذا از جمله بین آنها حتماً "سرمایه"
و پابهای آن تضاد بین سرمایه و کار
سپیدی می آید. مبارزه سرمایه با پرولتاریا
ندانگیز است و قانونمیت که در سراسر
جهان خود را نشان داده است و
کسیکه نخواسته باشد خود خویش را
بسر فرید، نمی تواند این موضوع را نادیده
انگارد.

الهمین واقعیات اساسی اقتصاد است
که این نکته مستفاد میشود که چرا این

و دینی پائین آورده و از توده ها میخواهند
که بمنوان "مطلب نین" خود، بر طبق
فتواهایشان عمل نمایند:

آیت الله خمینی در بیان ش به تاریخ ۷ آذرماه
میگوید:

... مبارزات تا "شیرود نشان اسلام
رفته و از راهی دادن و حضور در حوزہ های
رای گیری خود داری کنید. اسلام بزرگتر
از است که بواسطه یک اشکال ناقابل
رفع از اساس آن صرف نظر نماید"
(بامداد ۱۰ آذر، تأکید از ما است)
بدین ترتیب به توده ها میگوید که
قانون اساسی صوب "خبرگان" همان
اسلامیت و اینجاست که کسی که نخواهد
به سدرجات ارتجاعی این قانون رای مثبت
بدهد، چنان تکثیر بر سرش فرود می آید.



برپایی و فراندوم و ...

فرستاند هیتت "حسن نیت" به فریب... توده های مبارز بهرادران... سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایرا...

۱- برقرار آتش و جلودگی از فرورختن پایه های ارتش... ۲- سازمانی سپاه پاسداران... ۳- برقراری محلی "امن" برای انجام...

فرزاد مربوط به قانون اساسی و انتخاب مجلس شورای ملی - طوری که مردم کردستان نیز در آن شرکت داشته باشند... ۴- بالا خیز جلودگی از اوچگری جنین...

مقاومت و شوخیزم "نار ایلا" به "افرهان هجوم تاپیام... ۵- "نار ایلا" به "افرهان هجوم تاپیام... ۶- "نار ایلا" به "افرهان هجوم تاپیام...

رژیم ارتکوب ویده "راه حل مصلحت آمیز" میدهد از طرف دیگر فانتویهاش "سردشت را بر سر سوزگانش فرو میبرد... رژیم ارتکوب...

نام از بر آوردن خواستهای خلق کرد میزند و پیام تاریخی "مفرست ولی" هیتت حسن نیت... در مورد طرح مشترک خود مختار...

کردستان که از سوی سید فرزندین حسینی... سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایرا... حریکهای فدائی خلق... شاخه کردستان...

نیران حریکهای فدائی خلق... شاخه کردستان... حزب دمکرات... ارائه شده است... می گوید:

"هرگز به جمهوری اسلامی اعتقاد نداشته باید و ما به... ۳- این غرض و اهداف می تواند در نسیب... کاین طرح چه درونمای رادرفسایل...

ما را می دهد... (سخنرانی صیقلی در دانشگاه... علوم ارتباطات - کپهان ۲ آذرماه) واقعیت اینست که جنبش مقاومت خلق...

کرد، بخشی از جنبشهای بخش سراسر خلقهای ایران است و هیتت حاکم نته میتواند صلح به این خلق بدهد... زمین و نه خود مختاری، خلق کرد نیز بدی...

است که این حقیقت رادریافته و تحریم قاطعانه و یکباره "فرزاد" کدائی قانون اساسی از جانب آنان بخشی این حقیقت...

راثبات می کند. اما با تمام این تفصیلات رژیم حاکم نتوانسته است با تبلیغات وسیع خود حول مسئله "صلح در کردستان" در بین توده های غیر کرد وجهه ای که تا...

حدود زیادی از دست داده بود، موقتاً واحد نسبتاً زیادی برپایه توده های زحمتکشان نسبت به جنایاتش در کردستان در سبب... هر چند موفت و گذرا - نگاه داشته و از این موضوع برای تصویب...

تراه "خبرگان" خود جوید... ج: جوارونجبال تبلیغاتی رژیم و فشریون در شرایط فقدان آزاد... پیای دمکراتیک:

فرزاد قانون اساسی در شرایطی برگزار شد که از فعالیت آزاد نیروهای دمکرات و انقلابیون کمونیست جلوگیری...

شده، کلیه مطبوعات مترقی و نیمه مترقی توفیق گردیده و مطبوعات ارتجاعی از قبیل "نبرد ملت"، "جمهوری اسلامی"، "مردم"، "رنجبر" و... بر ساط روزنا...

فروشان برجای مانده و بدین ترتیب هیتت حاکم که تمام وسایل ارتباط جمعی (رایج) تلویزیون، مطبوعات و... رادراختیا، خود گرفته است، با تبلیغات دروغی...

و آری برای خود و استفاده از تمام شیوه های کیفی تخریب افکار عمومی، با هوچیگری، با تحریک عواطف و احساسات مذهبی مردم صادران شعارهای از این قبیل که گویا قانون اساسی "خبرگان"

صد درصد "ضد آمریکائی" و "اسلامی" انقلابی و "امید مستضعفین جها" (۱) میباید، سعی در برپاندن ماهیت بقایت...

ارتجاعی ضد مردمی ارتجاعی "خبرگان" نموده است. فشریون نیز در این میان درجهست...

فربم ادکار عمومی وزن مارکهای - کسه تنهائزینده "خودشان است - بسه انقلابیون راستین خلق، سنگ تمام...

نگاهند. نگاهی به ورق پاره های ایناں که بر روی یوارشهر جیبانده شده گسوا این امر است. (چگونگی برخورد نیروهای سیاسی...

بامسئله فرزاندم)) الف: موضع کمونیستها و دمکراتهای انقلابی: مادر شماره قبل ولی همین مقاله...

گنیم که قانون اساسی موجود قانونی نیست که در جهت نابودی سرمایه داری وابسته...

بکار رود و از اساس قانونی ارتجاعی و حافظ این نظام است. همچنین این موضوع که چرا...

حتی تشکیل مجلس مؤسسان بر سر موزاری نیز بهمانه های واهی و مسخره و منتفی گردید و در این رابطه دلگرمیها...

و اعمال ضد دمکراتیک هیتت حاکم را در مورد فرزاد مود بررسی فرادادیم. با توجه...

به همه شکات فوق است که ما معتقدیم موضع کمونیستها و نیروهای دمکرات انقلابی...

در برخورد به چنین فراندگی نمی توانست اساساً چیزی جز تحریم اعلامی آن باشد از جمله نیروهای انقلابی تحریم ننده...

میتوان از "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر"، "سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران"، "زمندگان آزادی طبقه کارگر"،...

"سازمان چریکهای فدائی خلق ایران"، "سید عزالدین حسینی"، "سازمان... معاهدین خلق ایران"، "سازمان اسلامی...

شورا (سائز)" (هر چند در سازمان اخیر از بردن نام تحریم اجتناب کردند و چریکهای فدائی... نیز با کاربرد عناوینی چون "زد کردن..."

و یا "امتناع"، عمل "ارتزیم فعال و انقلابی غوره رفتند... رانام برد. اما در این بین بودند نیروهایی که بعنوان...

"اعتراض" به قانون اساسی به دارن رای "سعی" اقدام نمودند که بعنوان مثال میتوان از "اتحادیه کمونیستها" نام برد. این...

گروه بدون آنکه دلیلی برای اتخاذ این تاکتیک خود ارائه دهد صرفاً با یکی بافنی و در کرایه قانون اساسی "جنبش و چنان..."

است و عملاً "برچونگی تشکیل مجلس خبرگاه" بر نامه رژیم از ابتدا تاکنون برای تحویل این قانون، سرکوب فعالیتهای اشراکانه...

نیروهای انقلابی و خیمهت باز "مجلس خبرگان" رسمیت بخشیده و عملاً آن تعداد رای های مثبتی را که در جنبش شریاطی...

بصند و پنهان ریخته شده قبول نموده است. علاوه بر آن دعوت توده های دارن رای نته گذشته از آنکه به نظام رسمیت می بخشید...

خواست هیتت حاکم را که کشاند توده ها به پای صندوق آرا، به نمایش گذاردن - لشکر توهم زده توده ناآگاه است عملاً "صف رای دهنندگان را در آرز کرده و بیه...

ان گروه و پیشه در نقطه نظرات و مواضع ایدئولوژیکش دارد. این گروه در مفهومی دیگر برای...

"شوراهای" فرمایشی رژیم بر نامه میدهند و همان توده دامن میزند که گویا توده ها میتوانند با یافتناری روی آنها در جنبش شریاطی...

حاکمیت انقلابی خود را در چهارچوب این نیروها برپا کنند و بر سران یا دولتت بوزروائی به چه بپردازند. روزی دیگر...

با گرایش بسوی روزی نوسیم نه از جلا دان - خلق کرد، ترکمن، عرب و... گه میگنند که جز با اینکهاها "حمایت" (!!) خود...

را از جنبش سلححانه مردم افغانستان اعلام داشته اند ولی در جهت تا "میں وسایل معاشی بپناهندگان افغانی اقدامی نمی کنند"!!

و اکنون نیز جلا دان خلق کرد را ضد - امپریالیست دانسته و سازمانها و گروههای م - ل را با فحاشی - ضمن برخوردی بد در...

از ضد انقلابی - با آوردن عباراتی همچون "اظهارات شرم آور زیند گسان"، "بیکاریان" و... به نام میگیرند. (رجوع شود به حقیقت شماره ۴۷)

گروه "اتحاد انقلابی برای رهایی کار" ابتدا موضع خود را در مقابل فرزاد م دران رای منفی "اعلام نمود ولی بعداً طوسی...

اعلامی ای تحت عنوان "ماوتحریم فرزند" (به تاریخ ۲ آذرماه) موضع خود را پس گرفت. این اعلامیه ارتکوب میگوید:

"... ما بر این عقیده بوده و هستیم که در شرایط کنونی... شرکت در این انتخابات و دادن رای منفی...

در دست - یں سیاستی است که میتوان در پیش گرفت" (تاکید زیاد است)

ب: موضع روزی نوسیم در مقابل فرزاد م: حزب توده که بر نامه ها و تاکتیکهایش را بر طبق نیاز و منافع روزی نوسیم...

برادر تنظیم میکند، اکنون نیز بر قانونی که ارتجاع حاکم در ادامه عملکردهای ضد انقلابی "و درغیاب نمایندگان -...

مجلس "خبرگان" و درغیاب نمایندگان کارگران، دهقانان، توده های زحمتکش شهری و شش نمایندگان خلقهای کورد...

ترک، عرب، ترکمن و طوچ به تصویب رسانیده، صحه گذاشته است. "کمیته - مرکزی" در پاسخ به این سؤال که چرا به...

قانون اساسی رای مثبت میدهد میگوید: "اولاً، درک از زیبایی کلی، نظیر غیم نکات منفی یاد شده، در مورد بخش...

قابل توجهی از اصول عده، قانون اساسی توانسته است بطور مثبت سلطه و روحه را حل کند. از این قبیل...

است فصل امور اقتصادی و اصولی که در زمینه تحکیم استقلال اقتصادی کشور و جلوگیری از استثمار (!!) و کمک...

به زحمتکشان و در جهت قطع چنگال سرمایه های انحصاری امپریالیستی و سرمایه های غارتگر وابسته داخلی...

از دستهای مهم و حمایتی سیر میکند. (اعلامیه "کمیته مرکزی" درباره قانون اساسی" مردم ۲۷ آذرماه تاکید از ماست)

کمیته مرکزی "حزب لمرانوسین" تصویب قانونی که دست سرمایه داران بزرگ را در تاراج زحمتکشان سپهن ماهیجان بسیار...

گذاشته و بار و زوگک و حطه باقیهای مردم بوزروائی، برادامی نظام سرمایه داری - وابسته مهربانید زده است و به آن مشروعیت...

رائی نه گذشته از آنکه به نظام رسمیت می بخشد، خواست هیتت حاکم را که کشاند توده ها به پای صندوق آرا و به نمایش گذاردن لشکر توهم زده توده ناآگاه است، بر - می آورد و عملاً صف رای دهنندگان را در آرز کرده و به هیتت حاکم وجهه بیشتری می بخشد.

و از طرف دیگر میگوید: "با توجه به اینکه اکثر نیروها و شخصیتها مترقی و منجمه رهبران مبارز کورد...

اعلام تحریم فرزند را کرده اند. به منظور حفظ وحدت و یکپارچگی در صفوف مخالفان این قانون اساسی ارتجاعی و دفاع از آزادی و استقلال -...

ایران، ما اتحاد انقلابی برای رهایی کار، ما فرزند م را تحریم می کنیم. رفقا این موضوع را توضیح نمیدهند که چگونه یک گروه کمونیستی میتواند موضع گیری خود را بر سر مسائل جامعه موقوف به موضع گیری، دیگر گروهها و نیروهای انقلابی نماید...

و اعلام کند که ما بر این عقیده هستیم که دست ترین سیاست، هنوز رای منفی دادن است و تنها به دلیل در اقلیت افتادن به تحریم فرزند دست میزنیم...

در فرهنگ مارکسمیستی - این شیوه برخورد چه نام می دهند؟! سازمان چریکهای فدائی خلق که بر عزم خودشان، شکل گرفته ترین و رشد یافته ترین "جریان مارکسمیت - لنینیسم -...

انراند! (!) (پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک) درحالی که یکپخته پیش از فرزند م اقدامات ضد امپریالیستی روحانیت مبارز برهبری - آیت الله خمینی! تجلیل کرده و بر برای...

توطئه "حسن نیت" هیتت حاکم زبون در کردستان هورا کشیده و کد زده بودند (قطعه نامه پنهانی) فقط یک روز قبل از فرزند م، از شرکت در فرزند م ابراز امتناع می کنند و قانون اساسی را رد می نمایند.

توطئه "حسن نیت" هیتت حاکم زبون در کردستان هورا کشیده و کد زده بودند (قطعه نامه پنهانی) فقط یک روز قبل از فرزند م، از شرکت در فرزند م ابراز امتناع می کنند و قانون اساسی را رد می نمایند.

توطئه "حسن نیت" هیتت حاکم زبون در کردستان هورا کشیده و کد زده بودند (قطعه نامه پنهانی) فقط یک روز قبل از فرزند م، از شرکت در فرزند م ابراز امتناع می کنند و قانون اساسی را رد می نمایند.

زندهباد لنینیسم!

(۱)

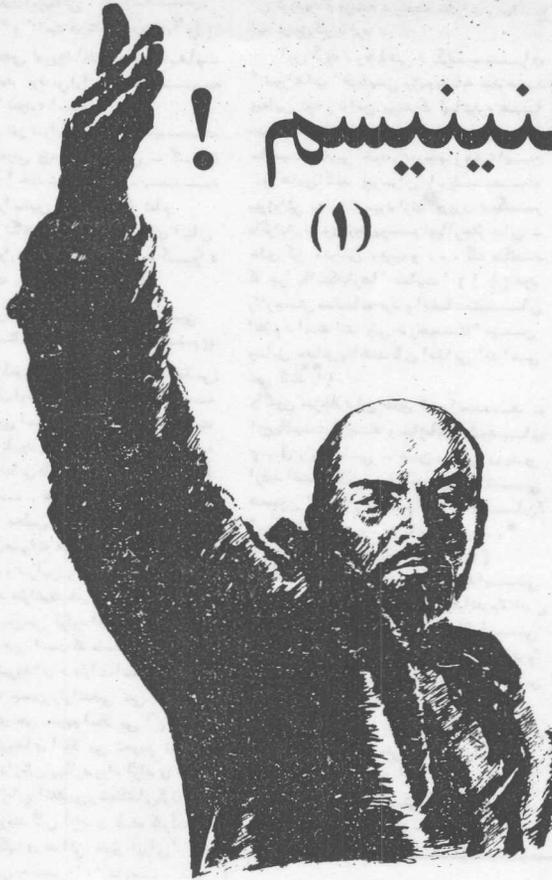
پاسخی به مقاله روزیونیستهای
توده ای " حزب توده و همزمنی پرولتاریا "



لاه تز " تغییر دوران " توطئه خائنانهای برای لگدکوب کردن لنینیسم است .

" لنینیسم ، مارکسیسم عصر امپریالیسم
و انقلاب پرولتاریائی است ، دقیقتر لنینیسم
بطور کلی تئوری و تاکتیک انقلاب پرولتاریا -
یعنی و بطور خاص تئوری و تاکتیک دیکتاتور
پرولتاریائی می باشد .

(استالین - درباره مسائل لنینیسم
ص ۱۸۱ منتخب آثار)



شعار " پرولتاریا و خلقهای ستمدیده
جهان متحد شوید " ، حرکت طبقه کارگر
کشورهای گوناگون را اساس و محور انقلاب
دانست و باین کار این اصل اساسی
مارکسیسم را که " انجام امر آزادی جهان
رسالت تاریخی پرولتاریا می نهد است " (لنین)
(انگلس) ، تکامل سوسیالیسم از تخیل به
علم ارتقا بخشید .

روزیونیستهای امپریالیستند تا از طریق نفی
دروانی که لنین قوانین آنرا بیان داشته
است ، زیرا گدازدن آن قوانین را توجیه
کنند . جوانشیر در کتاب " مائوئیسمها از تاب
آن در ایران " ضمن اعتراض به نظریه
حزب کمونیست چین در ۱۹۶۰ که به
درستی متذکر شده بود " دوران مائوئیست از
دوران امپریالیسم ، دوران انقلاب پرولتر
دوران بهرزی سوسیالیسم و کمونیسم " بنا
تسخیر می گوید : " از تسخیر تعریف دوران و
معرفی آن بعنوان دوران امپریالیسم
مائوئیستها در خط مشی عمومی جنبش
جهانی تجدید نظری کردند و میخواستند
آنچه را که قبل از انقلاب اکتبر در
دوران امپریالیسم درست بود ، در زمان ما
نیز از آنکه نیم قرن آن بهرزی اکتبر
می گذر صحیح قلمداد کند " (ص ۴۸)

بدین ترتیب رویونیستیهای مایا این ادعا
که لنینیسم قبل از انقلاب اکتبر درست بود
به بهانه تغییر دوران در مائوئیسم علم رهاشی
پرولتاریا تجدید نظری کنند .
حال به جنم لنین چه می گوید و آیا واقعا
ناقبل از انقلاب اکتبر دوران ، دوران امپری-
الیسم بود و یا رویونیستیها پیشروان
دروغ می گویند . : سیستم بندی معمولی
به دوره های تاریخی که اکثر آنها در
ادبیات مارکسیستی ذکر شده و مکررا توسط
کائوتسکی تکرار شده و در مقاله برتوسف
استناد شده بدین قرار است : (۱ : ۱۸۷۱ -
۱۹۱۴) (۲ : ۱۹۱۴ - ۱۹۱۷) (۳ : ۱۹۱۷ -
۱۹۲۹) از اینجاست که هرچند در یکی در لنینیسم
و اجتماع ، مرز بندی های قراردادی و تعبیر
نسبی ونه مطلق می باشند ، مهم ترین
هرجسته ترین وقایع تاریخ را فقط
بطور تقریبی بعنوان نقطه عطف در جنبشها
تاریخی مهم اختیاری کنیم . اولین دوران
از انقلاب کبیر فرانسه تا جنگ فرانسه ، پرور
دوران تعالی بورژوازی و بهرزی اکتبست
این دوران فرا بورژوازی دوران جنبشهای
بورژوا - دموکراتیک بطور کلی و جنبشهای
بورژوا - ملی بطور خاص ، دوران سقوط
سریع مود سلسله و فرقه فئودالیستی
است . دوران دوم - دوران مطلقه کامل
وزوال بورژوازی ، دوران گذار از خصلت
مترقی بورژوازی به خصلت ارتجاعی و حتی
بغایت ارتجاعی ، سرمایه ملی است این
دروانی است که یک طبقه نوین ، دموکراسی
مدرن در حال تدارک و جمع آموری تدریجی
قنوات . دوران سوم که تازه آغاز شده
روزیونیسیتی چون جوانشیر می شمرانند
ادعای کنند که قبل از انقلاب اکتبر
۱۹۱۷ باین یافته است یعنی لنینیسم
که مارکسیسم عصر امپریالیسم کمتر از
سال بعنوان علم رهاشی پرولتاریا محدود
میشود ، زهی بهتری .

بورژوازی رادرفمان " موقعیتی " قرار میدهد
که آنها باین فئودالی در دوران اول قرار
داشتند . این دوران امپریالیسم و تکانها
شاید در امپریالیستی وهم چنین تکانها
شدیدی که ناشی از ماهیت امپریالیسم
است ، می باشد . (زهرچشمی در وضع
ص ۸ تاکید از ما است)
لنین در مقدمه ای که در ۱۹۲۰ (سه
سال بعد از انقلاب اکتبر ، قابل توجه
روزیونیستهای) بر کتاب امپریالیسم بحثنامه
بالاترین مرحله سرمایه داری نوشته می افزاید
" امپریالیسم آستان انقلاب اجتماع
سوسیالیسم است .

امپریالیسم معاصر مایک است . جلوه گیری
از انقلاب خلقها پرولتاریای جهان ، بنا
تعی کردن (م - ل) از مبارزه طبقاتی
و نفی دیکتاتور پرولتاریا و نشان دادن تسز
آشتی طبقات بجای لنینیسم به بهانه
تغییر دوران . و چنین است که
روزیونیستهای توده ای در مقاله " حزب
توده و همزمنی پرولتاریا ، دم ارتغییر
دوران زده و مزوانه " دهامی کنند
که در مقیاس جهانی همزمنی پرولتاریا تا مین
شده است . " ما راستی ، مادر چه
دروانی سمری بریم و آیا دوران ما از آنچه
که لنین گفته بود تغییر کرده است ؟



الف - عصر ما کماکان عصر

امپریالیسم و انقلابات پرولتری

است .

" استراتژی و تاکتیک لنینیسم علم رهبری
جنگ انقلاب پرولتاریاست "

(استالین - درباره اصول لنینیسم)

عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری لنین
بر اساس درک طبقاتی و انقلابی برای تغییر
دوران کنونی حرکت کرده و می گوید آنچه
در این مورد اهمیت دارد اینست که کدام
طبقه در مرکز این بیان عصر قرار گرفته و ضمیمه
اساسی وسعت عمده تکامل و مهمترین ویژگی -
های موقعیت تاریخی و غیره را در هر دوران
مفروض تعیین می کند . (لنین بزهر
چشمی در وضع) و آنگاه لنین بر اساس
تعیین ضمیمه اساسی عصر نوین بحثنامه
عصر امپریالیسم و انقلاب پرولتاریا و با تعیین

امپریالیسم بدوین محل تئوریک فاکتور
به این جنایات تحقق بخشد ، پس میگوید
مارکسیسم را تحریف کند ، اکتیسم را جایگزین
دیالکتیک کند و بهر صورت همزمنی طبقات
غیر پرولتری را بر پرولتاریا امکان پذیر سازد
بدین ترتیب او برای اینکه تحریف مقولات -
مارکسیسم و عملکرد تئوری رویونیستی اش را
که در مقابل (مارکسیسم - لنینیسم) میایستد
توجیه کند ، پشت " شرایط ویژه " پنهان
میشود او سخن از این می گوید که " دوران
تغییر کرده است " پس تغییراتی بایستی
در تاکتیک و استراتژی و عبارت بهتر
تئوریتی بایستی در لنینیسم صورت بگیرد .
این چنین است که در خشان ترین مفاهیم
انقلاب (م - ل) آن مقولاتی که
انقلاب را به ارفغان می آورد . تحریف
می شوند . کائوتسکی نیز از این راه به
قلب و تحریف مارکسیسم دست زد .

پس از حاکم شدن رویونیستیهای خائن
بر حزب و دولت شوروی و تبدیل این کشور
از دژ مستحکم پرولتاریا به کشوری بورژوازی
امپریالیستی ، در اساسی ترین مقولات
(م - ل) تجدید نظر بعمل آوردند
و تمام این تحریفات را بعنوان " جنگ
همزمنی جهانی " پرولتاریا " تا " مین
شده است " و " دوران تغییر کرده است " و
" اکنون دوران گذار از سرمایه داری به
سوسیالیسم است در حالیکه دوران لنین عصر
امپریالیسم بود . " توجیه کرده اند . بدین
ترتیب آنان لنینیسم یعنی مارکسیسم
" عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری " را -
لگد مال نموده برضد آن توطئه کرده و میکنند
اصولا " رویونیستیها " برای توجیه
خیانتهاشان به خلقهای جهان
مارکسیسم - لنینیسم همیشه از هر چه
کهنه تغییر دوران استفاده کرده اند . و
راهی را که خروشوف خائن پهمود
اکتو خائنین مزدوری چون تنگ شمشو -
پهنگ و هوا کوفنگ بصورتی دیگر می پیمایند
هرای توجیه خیانتشان با رژیم دم از -
تغییر دوران می زنند . هدف هر رژیم

بقول لنین " بورژوازی توکراتی لازم دارد
که بخشی از طبقه کارگرانها اعتماد داشته
باشد ، توکراتی که بورژوازی را با عبارت پرولتر
های خود درباره امکان زمام فرمیستی انقلابها
و زیانکنند . توکراتی که با این عبارت پرولتر
خاک در چشم خلق بپاشند و خلق را با
رنگ آمیزی مواعید و امکانات راه فرمیستی
از انقلاب منصرف گردانند . (لنین
درباره وظایف انتزاعی سوال سوم)
" رویونیسم بورژوازی را بزرگ می کند و طبقه
کارگر را فریب داده متفرق می نماید . " (لنین
درباره جازبه طبقه رویونیسم)
بورژوازی می گوید مانع تحقق انقلاب گردد
از اینرو با و بهر سرکوب مبارزات پرولتاریا
جاسوسان و عمالشان را وارد جنبش کارگری
میکند تا با پوشیدن لباس مارکسیسم ، آسرا
از محتوای انقلابی و تئوری انقلابی مبارزه
طبقاتی تهی کرده بصورت فرمول بی اثر
و قابل قبول برای بورژوازی درآوردند .

بدین ترتیب رویونیسم در درون -
طبقه کارگر خود را می نمایاند بصورت منبسط
تراضی اندیشه های ضد پرولتری بقصد
فریب توده ها خود را به لباس های فریبنده
می آراید . او از انقلاب می ترسد و میگوید
جلوی آرتراگیر و از توده های مسلح
می ترسد پس نموده گزارشات آمیز ساز
می کند ، او از قدرت مستقل طبقه کارگر مترسد
پس دم از حزب تمام خلقی و دولت تمام
خلق میزند . او از رهبری طبقه کارگر
بخاطر آنکه تنها شرط پیروزی انقلاب است
مترسد پس رهبری انقلاب دموکراتیک را
به بورژوازی و بخرد بورژوازی سپرده
در مدح این طبقات که قادر به پایان بردن
انقلاب نیستند تئوری رویونیستی " راه رشد
غیر سرمایه داری " را می سازد . او مدد
کار امپریالیسم است پس دم از همزمنی
مسائلت آمیز احزاب کمونیست کشورهای -
تحت سلطه و در پرت احزاب کمونیست بسا
امپریالیسم می زند و . . .



زنده یاد لنینیسم...

پرولتاریات است. این حقیقت در سال ۱۹۱۷ در قیام جهانی تأیید شده است (ص ۱۳۴) انتخابات آتار. لنین انقلاب اکتبر را...

است که بین آن و سوسیالیسم هیچ پله ای وجود ندارد. (ص ۱۳۴) قریب الوقوع و چگونگی مبارزه با آن (بدین ترتیب عصر احتضار امپریالیسم و عصر انقلابات پرولتری است.



لنین می گوید اهمیت هر دوران در اینست که کدام طبقه در مرکز این یا آن عصر قرار گرفته و مضمون

اساسی و سمت عمده تکامل و... را در هر دوران

تعیین می کند. اما رویزونیستهای مدعی تأمین هرگز مونی پروولتاریا بر جهان با تزه های راه رشد غیر سرمایه داری و... عملاً بورژوازی و خرده بورژوازی را در مرکز این دوران قرار می دهند.

البته در عصر امپریالیسم در کشورهای تحت سلطه خرده بورژوازی متحد پرولتاریا بوده و تاجمهوری دموکراتیک خلق و وحدت اراده دارند. اما اگر رهبری در دست است پرولتاریا نباشد خرده بورژوازی با رهبری خویش انقلاب را به شکست می انجاماند و سلطه امپریالیسم را در باره برقرار خواهد ساخت.

طلبی سیاست امپریالیستی روسی نیست. بعداً تأکید می کنیم که خلعت خرده بورژوازی حتی در زمانی که همزونی پرولتاریا در یک کشور نیز تا می شود (یاد ر. طح جهان) تغییر نمی کند (طبقات برضای نقشان در شیوه تولید شخصی می گردند و برضای همین رابطه اجتماعی خلعتهای شخصی نیز خواهند داشت.) بنابراین قبول این مطلب کسه خلعت خرده بورژوازی تا اینجا تغییر یافته است که میتواند انقلاب دموکراتیک را به سرانجام برساند بدون آنکه رابطه خرده بورژوازی با تولید اجتماعی تکریمه باشیم به نفی مارکسیسم برخاسته ایم.

لنین، امپریالیسم را جدا از عصر انقلابات پرولتری و گذار به سوسیالیسم نمر باند اما رویزونیستها برای جلوگیری از انقلاب مدعی می شوند که عصر امپریالیسم سپری شده است و اکنون دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم است!

و کمونیسم در قیاس جهانی است (تاریخ حزب کارگرایانی. بدین ترتیب سب رویزونیستهای خاش به بیانه تغییر دوران از کینه شدن فواین لنینیسم سخن می گویند. گوی "تغییر زرفی" صورت گرفته، بطوریکه ماهیت تمام پدیده های جامعه را تغییر داده است! آری، برعکس رویزونیستهای خروشی در دوران تغییر کرده است. رهبری پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک بایستی جایش را به رهبری خرده بورژوازی یا بورژوازی بسپارد، انقلاب قهرآمیز جای خود را به گذار مسالمت آمیز می دهد چرا که بخاطر تغییر دوران، بورژوازی حاضر شده است قدرت را دست می سپارد تا تقدیم احترامات فائقه به پرولتاریا تحویل دهد. آری "شرایط عوض شده" حالا همه گرگها میش شده اند و تمام دشمنان طبقاتی پرولتاریا دیگر پارچان جافسی پرولتاریا شده اند...

رویزونیست خروشی اعلام کرده اند تا امپریالیسم را از کینه انقلاب سبخت خندند. "رشد هزینه زندگی و افزایش سمت سبکها" (نوعی از انحصارات) در نتیجه رشد سمت سرمایه داری بر طبقه کارگر. مواج عظیم در راه مبارزه مستقیم و سیاسی طبقه کارگر، هیولای جنسیت، امپریالیستی و صیقلها و ویرانی ناشی از آن، همه این عوامل مرحله کنونی را تکامل سرمایه داری را بدل به عصر انقلاب سوسیالیستی پرولتاریا می نموده اند. (لنین - مفاد مربوط به اصلاح برنامه حزب ۱۹۱۷ تأکید از ما است.) درست برعکس رویزونیستها به نفعی دوران لنینی برخاسته و خواسته اند دورانی را جانشین آن سازند. لنین موکداً بیان می کند که میان دوران امپریالیسم (که آستان انقلابات پرولتری است) تا دورانی که سوسیالیسم بر سر امیر جهان پرچم سرخ را در جگش را بسوی اهترتاز آورده. دینترسخنی از دوران دیگر نمی توان گفت. بقول لنین سرمایه داری انحصاری دواتی (بشابه آخرین مرحله رشد انحصارات و امپریالیسم) تدارک ماند کاملی است برای سوسیالیسم، آستانه سوسیالیسم، ضله ای در نزدیان تاریخ



بن مقاله در مه ماه دریاخ مقاله ای از روزنامه "مردم" که در دانشگاه بصورت چاپ شده بود نوشته شده است. اما شام مقاله ما در دانشگاه نصب نگردید. بخاطر اهمیت پاسخ به تزویزیونیستی "تغییر دوران" ما مقاله فوق را بصورت زبانه دار و کامل در چاپ می کنیم.

تغییر دوران را به مدی می آورد (تاکید فقط جمله اخیر از ما است) بنابراین مجموعه این طسل دیکتاتوری پرولتاریا ضروری است و پیروزی هر بورژوازی بدون یک جنگ طولانی سر سخت و حیاتی و ممانتی، جنگی که مستلزم یابادی، انضباط، استقامت، تزلزل ناپذیری و وحدت اراده است امکان پذیر نیست" (بهاره کورگی، چاپ روی در- کمونیسم ص ۲۳۶ منتخبات آتار.) بدین ترتیب یک طرف در دوران این تغییرگرگند و از عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری به عصر سوسیالیسم گام بگذاریم. باز هم می بینیم که خرده بورژوازی بایستی تحت تابعیت دیکتاتوری پرولتاریا در آید

گزارشی از... دانشگاه کرمان

دانشگاه شروع به دادن شعار "چپ راست" ناپود است، اسلام پیرو است کردند و طی یک قطعنامه شفاهی اعلام نمودند که به هیچ گروه دانشجویی "عزاز" جامعه اسلامی" (که خودشان باشند) اجازه فعالیت نخواهند داد و همان شب وحشیانه به چند نفر از دانشجویان در سلک سرویس حمله نموده و آنها را رابندت، خروج مینمایند. روز بعد مراسم آنها با حمله فاشیستی خویش نمای بشگاه کتاب " دانشجویان پیشگام" که به مدت یک هفته صناسب بزرگداشت ۶ آذر برگزار شده بود، چهره زینت خود را بهتر انجمن به دانشجویان نشان میدهند. در جریان حمله آنها پوسترها ملاً کاردها پاره کرده و عده کبری از دانشجویان را با آلات مختلف که ملاً آماده کرده بودند

تههه ای ۱۶ اثر تحلیل بعمل آمد. در سپس یکی از اعضای دانشجویان به توابع سال ۳۲ و ملگر در نیروها در آن سال و سالها بعد سخنرانی نمود. پس از آن چند شعر از خسرو گسرخ و همچنین پیام دانشجویان هواد از سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - کرمان "خوانده شد. در حین اجرای برنامه گروه انحصار طلب مشهور سعی میکرد برنامه را بهم بریزد که هشیاری توده های دانشجویان مانع میشد و در پایان برنامه آخرین تلا نشان ابراری لوت کردن برنامه دانشجویان باشعور "اتحاد، مبارزه، پیروزی" میکنند و مدکم پاسخ گفتند. آنها خجالت زده پس از اتمام برنامه در خیابان روه روی امنی تا "توسیر

بدانند که رژیم سياه و منفور شاه هیچ نتوانست صدای حق طلبانه دانشجویان مبارز را خفه سازد. و این اعمال فاشیستی، اگرچه در کوتاه مدت می تواند مشکلاتی بر سر راه انقلاب فراهم سازد اما در نهایت و هر روز پیش این چشمه کربه ارتجاع را زنده توده ها عیان تر خواهد ساخت. هر چه کبت درده تریاد جنبش ضد امپریالیستی دانشجویان انقلابی - دانشجویان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر (دانشگاه کرمان) ●●

زخمی می کنند و در ظاهر همان روز به وقیحانه ترین تنگی مادتت به اخراج عده ای از دانشجویان و استادان مینمایند پس از عملیات جنون آمیز و وحشیانه جامعه اسلامی عده بسیاری از دانشجویان در جلوی درب دانشگاه متحصن شدند و طی یک قطعنامه "ماده ای خواستار مجازات و محاکمه مسببین این اعمال فاشیستی است یعنی همان چهره های شناخته شده و معلوم الحال می گردند. این بیچارگان که دانسته یا دانسته اب به اسباب امپریالیسم میریزند، باید بدانند که دانشگاه همیشه سنگ - سحر آزادی می بوده و خواهد بود، اینان باید

رویزونیستها را افشا و طرد کنیم

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر



دعوت‌های رای‌گیری چه می‌کنند؟

گزارشی از چند منطقه رای‌گیری در تهران



آنچه در دوره اول به چشم می‌آید خلوت بودن خیابانهای شهر و تعداد محدودی دهنندگان بود در نظر گرفتن حوزه‌های نازی آباد، جوادیه، میدان امام حسین و نظام آباد به زمت صعبای ۱ تا ۵ تقریباً تشکیل میدادند حوزه‌های رای‌گیری با یاداران صله به ۳-۲ حفاظت می‌نشد.

در یکی از محله‌های جوادیه بلندگوی مسجد به نیت منتهی‌القول و تبلیغ حول قانون اساسی و متن مرقی! آن بود و مردم را به رای دادن دعوت می‌نمود. صعبای رای‌دهندگان به کندی یکی می‌رفت که رای می‌دادند بلافاصله فاصله پراکنده می‌شدند و ما تا چاروبوم برای حرف زدن بسا آنها داخل صف بشویم اکثریت کسانی که یا آنها اصعبیت بود در جواب اینکه آیا متن قانون اساسی را خوانده‌اید یا نه، جواب می‌دادند و اظهار می‌داشتند که آراد یو و تلویزیون شنیده‌اند که متن قانون اساسی را خوانده‌اند.

واژمن آن المانع کافی داشتند. آنچه که واضح بود این مسئله بود که در این صعبا ما از تحریم کنندگان اثری نخواستیم یافت و همه بران رای دادن آمده‌اند.

(البته استثنا را بیکی در توغیر خود کردیم که اظهار کردند رای نخوانده‌اند)

در یکی از حوزه‌های نازی آباد صعبای حساسی، آقای که مسئول مهر کردن شناسنامه بود و اصعبیت ندمیم پس از تحریف از قانون اساسی و مناقب مستضعفین، حاجی، از شهرستان آمده ام، شناسنامه ام را یادم رفته بیارم شناسنامه‌ها را شناسنامه رای دادم نه آقا، درست نیست "بایکی دوتا جمله دیگر که به هم تحویل می‌دهیم به آقای معرض می‌شوم که نزدیک صندوق رای نیست و حضرت آقای گوید "اشکالی ندارد، چگون علاوه داری حتماً رای بدهی یا کارت شناسایی هم اشکال ندارد" و من می‌روم تا کارت شناسایی ام را بیارم! نوی حوزه‌های نظام آباد و اردبیل بحث پنج - شش نفره می‌شویم ظاهر آنرا هیچکدام از موضع مخالفت کامل با قانون اساسی صحبت نمی‌کنند ولی بکفر بافیند اینکه به خاطر امام رای می‌دهند شدیدا به اصل مالکیت مشروع و آزادی مطبوعات و مجالس حمله می‌کنند. یکی دیگر با لحن بی تفاوت و بصورت خبری می‌گوید که در کردستان و ترکمنستان رای نمی‌دهند شریعت‌داری هم گفته رای نمی‌دهد، مرد ۵-۴ ساله ای که قیافه اش به بازارها خوب با اصعبانیت و خنده ششخامیز می‌برد توی حرفش که "در ک ما خودمان نفر ده تارا ای هم می‌دهیم من خودم همین امروزه تارا ای دارم!!"

در حوزه‌های مختلف موفق می‌شویم که تقریباً ۱۰۰ نفر درباره قانون اساسی صحبت کنیم

در فرمان شرکت می‌کنید؟ چه رای میدهند؟ و چه دلیل این رای را میدهند؟ این سئوالی بود که با اشخاص مختلفی در حوزه‌های متعدد رای‌گیری مطرح کردیم و اینک برخی از جوابها: "بخاطر اینکه همه مردم شرکت می‌کنند، رای مثبت می‌دهم و هم چون امام گفته، بخاطر سرکوب اجانب و انتخاب رئیس جمهور" (مردی حدود ۴۰ ساله - میدان امام حسین - شغل معلمه کار). "بخاطر اسلام شرکت می‌کنم، رای مثبت می‌دهم چون آقا گفته" (مرد - کاسیکار - حوزه جوادیه). "رای مثبت می‌دهم چون این دولت بهتر از دولت زمان شاه سابق است" (کارمند آموزش و پرورش بازنشسته - حوزه نازی آباد). "رای مثبت داده ام، چون ما امام خمینی و اسلام را قبول داریم و نسبت به اسلام - ستولیم و باید برای حفظ آن بکوشیم" (دانشجوی حوزه علمیه قم - دختر - حوزه نازی آباد). "رای مثبت می‌دهم بخاطر اینکه کومینتها تحریم کرده‌اند، اصلاً کافی است اینها" (کومینتها) بایک چیزی مخالفت نکنند تا من موافقت کنم" (دانشجو - حوزه میدان امام حسین). "رای مثبت می‌دهم، هر چند تا حال از دولت خیری ندیده‌ام ولی انشاءالله با قانون اساسی همه چیز درست میشود" (پسر ۱۸ ساله محصل - حوزه جوادیه). "من کلاً این قانون اساسی را قبول ندارم و الان هم مردم که چرا رای منفی نداده‌اند بخاطر این شرایط زمانی خاص برای آنکه رهبری انقلاب تضعیف نشود رای مثبت دادم. رای مثبت در این شرایط یک وظیفه ملی است" (شوقا کارگر - فعال - پیکار - حوزه عزت آباد). "رای منی دهم، این قانون اساسی به نفع مردم نیست اصل مالکیتش به نفع سرمایه داران است، اصلاً این عاصمه بعصرها دارند، برخلاف چیزهایی که فلا گفته‌اند دارند عمل می‌کنند، شوهرم هم با آنکه مخالف است ولی چون نسوی نیروی هوایی کار می‌کند مجبور است رای بدهد" (خانم خانه دار - حوزه نازی آباد). "والله صبح توی رادیو گفتند بروید رای بدهید ما هم آمدیم، مادریچه ما هم رای می‌دهد" (پیرمردی در اتوبوس خیابان کارگر). "در یکی از حوزه‌های جوادیه به آقای کارمند ملی برخورد کردیم که در ابتدا خیلی با احتیاط صحبت می‌کرد و اصل بحث نمی‌شد بعد از مقداری صحبت کم کم زبانش باز شد که: "من با این قانون موافق نیستم، این مسخره بازیهای خبرنگاران توی تلویزیون دیده‌ام اما توی اداره می‌گفتند اگر مهربانتر انتخاب روی شناسنامه نخورد بعد ما برایمان بدمی شود بخاطر همین آمده ام رای بدهم". جوابی که تقریباً عمومیت بیشتری در رابطه با این سئوال داشت (رای دادن بخاطر امام) - بسود.

نظری دهنده گانی را که با آنها صحبت می‌کردیم نسبت به متن قانون اساسی و دلگرمی‌ها گفتیم، این رای دهنده گان تماماً رای مثبت داده بودند.

"قانون اساسی را خودم مطالعه نکرده‌ام ولی تا آنجا که آراد یو و تلویزیون شنیده‌ام، خواه و اوضاع و احوال مناسب به گذشته بهتر که نشده هیچ بدتر هم نشده، گرونی بیگاری، بی پولی بیشتر شده اما انشاءالله درست می‌شود بعد از رئیس جمهور انتخاب کنند تا دولت محکمتر شده، درست میشه" (کارگر تعمیرگاه ماشین - جوادیه).

"این قانون اساسی با همه عیب‌هایی که دارد به نفع مردم است (فقط اصل مالکیت آن اشکال دارد، این قانون اساسی جلوی سرمایه دارها را می‌گیرد، اینها بی‌سختی خلی از خواستهای مستضعفین جواب نداد ولی بالاخره پدر این مستکبرین راد می‌آورد اگر نکند خودشان از زمین می‌روند" (کاسب خرده‌پا - حوزه نازی آباد). "قانون خوبی است آراد یو را تا حدی تا من کرده هر چند که اشکالاتی هم دارد، اصولی دارد که درست نیست انشاءالله در ممتد درست می‌کنند، قیمت‌ها خیلی باد رفته، توی کردستان هم معلوم نیست چه شده و چرا الان دارند مذاکره می‌کنند" (کارمند آموزش و پرورش - حوزه نازی آباد).

"این قانون حقوق زنهار نادیده گرفته مرد ایراسان این قانون می‌توانند بگویند که زنهای ما بشینند توی خانه و بچه داری کنند" (دختر دانش آموزی که رای نداده بود - حوزه نازی آباد). "قانون اساسی کلاً املا می‌است البته مسلم است که بسیاری مسکن ندارند و بیگار نیست‌ها هم مرتباً بالا می‌رود ولی یکس باید به هیئت حاکمه فرصت داد، این کومینتها نمی‌گذارند دولت کارش را بکند، البته مسلم است که ملون می‌کند تا اشکالات برطرف شود، مایک رهبرها هوش و زرنگی داریم که همه کارها را بزودی درست می‌کند. کشور ویتنام ۳۰ سال جنگید، چرا اینقدر جنش طول کشید؟ برای اینکه یک رهبر درست و حسابی نداشت" (دانشجویان ایران تاسیسات یا لارگری که همراهم خانوادهاش بود صحبت کردیم. زن از قانون اساسی و هیئت حاکمه دفاع می‌کرد در جواب این که قانون اساسی را خوانده جواب نه داد و گفت همین که آقا خوانده کافی است آقارای داده و گفته شما هم بدهید. شوهر منظر مخالف دانت و می‌گفت که رای نمی‌دهد، گفت در دوران طاقت ناه و دربار می‌زدیدند، هزارها نفر بگره می‌چاپیدند ولی حالا که ادعای می‌کنند دزدی در کار نیست چرا وضع ما از سابق هم بدتر شده، همه چیز گران شده حرف اضافه دستمزدها هم نمی‌توانیم بزنیم، چرا توی این نفوس بکنیم ما از کار خارجمان کنند و توی این بیگاری نمی‌دانیم که چه جانی به سرمان بکنیم، فکر می‌کردیم که بعد از انقلاب کارهای ما افتد دست مردم حالای بنهیم که اخوندها حکومت می‌کنند".

تقریباً اکثر افراد مورد صحبت قبول داشتند که تعداد رای دهنده گان از تعداد بیش‌تر است در حوزه نظام آباد مردی ۵-۴ ساله اظهار می‌داشت که بعضی ها رای نمی‌دهند ولی تعدادشان کمی است، در ترکمن صحرا و ولجستان و کردستان رای نداده‌اند، بعضی از پولدارها هم رای نمی‌دهند مثل شریعت‌داری، کومینتها هم رای نمی‌دهند ولی حزب توده گفته که رای می‌دهد در جواب اینکه نظر آنها را چه می‌گویید توی توده ایها چیست؟ همین سرد می‌گفت "البته اینها نیست سرمایه‌دارانند به این امید که به نوا می‌برسد. ماقبولشان نداریم ولی بگذار ببینند".

تقریباً ۳۰ ساله در یکی از حوزه‌های نازی آباد من اینکه رای می‌دادن توده ایها اشاره می‌کرد گفت: "اینها حرفدار سرمایه دارها هستند موقع مبارزه پیدایشان نبود حالا پیدا کرده‌اند و خودشان را خط امام هم می‌دانند رای مثبت دادند تا هم به خاطر اینست که اجازه فعالیت داشته باشند".

آنگرگانی که رای داده بودند نسبت به قانون اساسی داشتند که بیشتر بیرون اصول مالکیت، ولایت عقیه و آزادیها و حقوق زن بود و اکثر آنرا به این امید که در ممتد درست خواهد شد تدرای داده بودند.

لازم به تذکرات که پایه منظور درح نظریا توده‌ها عیناً نقل قولهای آنها را می‌کنیم ولی این به معنی تأیید همه این نظریات نیست، بدیهی است که برخسود کومینتها به افراد تعریف ظاهر زلیانستان بلکه برضای تعلق طیفاتی آن‌ها می‌باشند و هیچگاه نمی‌توان همه روحانیون را درین صدد خلق یاضد خلق قرار داد و همه را چوب راند.

شماره ۴:

۱۳ آبان

منتشر شد!

قانون اساسی خبرنگاران، زنجیری است به پای زحمتکشان

ارشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

مشی چریکی به چه می انجامد؟

(۱)

اگر نمایندگان طبعیات دیگره جنبش پرولتاریائی بیوندند، قبل از هر چیز از آن طلب میشود که بقایای بورژوازی و خرده بورژوازی و اعتقادات باطل نظیر آنرا با خود همراه نیاورند، بلکه بدون قید و شرط جهان بینی پرولتاریائی را قبول کنند. (نقل از: تفسیر، نهمین تفسیر)

مسئله روشن است، سازمان (م-ل) یا حزب دارای وحدت اراده است یا نیستی بدون قید و شرط یک خط بر آن حاکم باشد. عنوان کردن تضاد درون خلق در یک سازمان (م-ل) بمعنی وجود فراکسیونهاست و در نتیجه بدتر شدن چندین مرکز در حزب، یا سازمان (م-ل) است و وجود

نقدی بر "قیام و اکونومیستها" سازمان دانشجویان پیشگام

اما این طبعیات که تا مرحله انقلاب دموکراتیک وحدت اراده دارند، آيا می توانند از یک سازمان بعنوان نماینده نظرات خود پیش برای مبارزه طبقاتی استفاده کنند؟ مارکسیسم - لنینیسم به این سؤال جواب منفی میدهد و روزیونستیها جواب مثبت می کنند و کمونیستها به حزب و یا سازمان (م-ل) به مثابه آلت مبارزه طبقاتی پرولتاریائی نگردند. طبیعی است بانیروهای

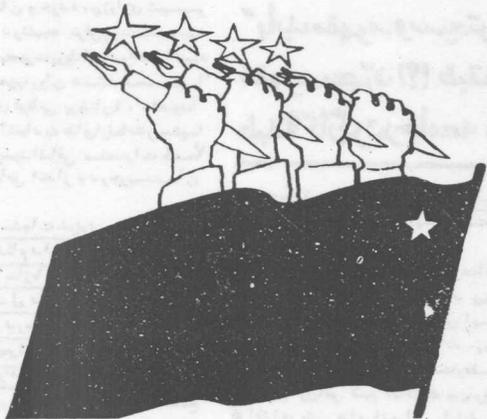
و از آنجا که این روستفکران عموماً از پایه های خرده بورژوازی جامعه برمی خیزند و از آنجا که در خرده بورژوازی دوطبقه اصلی جامعه برندی خود را از دست می دهند. خرده بورژوازی بدون یک درک طبقاتی و از دیدگاه همه خلق "هدون شخصی کردن مرزها" طبقات میان این "خلق" است که حرکت می کند. دید تمام خلقی در کنار حرکت جدا از خود بعنوان دوجبه شخصه اساسی مشی چریکی خود را می نمایاند این دید تمام خلقی در تئوری و عمل مشی چریکی را عموماً "دربخورد با تئوری و مبارزه ایدئولوژیک را خصوصاً" میتوان چه در میان آثار "ا-اها" وجه در برخورد های "س-ج-ف-خ" و نیز تقوای پیشگام با تئوری و مبارزه ایدئولوژیک یافت.

خرده بورژوازی در نمی باید که "خلق" مفهومی انتزاعی ندارد. خلق ارتباطات درست شده است و لاجرم حزب تمام خلقی نیز نمی تواند باشد. خرده بورژوازی در نمی باید که یک حزب یا سازمان انقلابی "ابزار مبارزه طبقاتی" یک طبقه مشخص است. وی از آنجا که دید طبقاتی ندارد نمی تواند مرزها را ببیند و از آنجا که خلوص را بطور عموم "باورد" می تواند از دست دهد درون خلق "در یک سازمان (م-ل) شدن بگوید:

رفقای پیشگام که دارای یک درک خرده بورژوازی نسبت به خلق و نسبت به سازمان انقلابی هستند سخن از "منافع سازمانی و خلقی مشترک اعضا" سازمان می گویند (قیام و اکونومیستها) ۳ تا تاکید از ماست این رفا سخن از تضادهای درون خلقی در یک سازمان مدعی (م-ل) می گویند: "مرحله به مرحله از نظرات استراتژیک رفیق مسعود به تئوریهای رفیق جزئی و از آنجا که به نقطه نظرات کنونی و مهمتر اینکه در هر مرحله بعلمت وجود سازمانها هم دموکراتیک برخورد با آن تضادها، به مثابه تضادهای درون خلقی (تاکید از ماست) اتناگونیستی

مبارزه ایدئولوژیک سلا حی است نیرومند که بکار گرفتن صحیح و اصولی آن در خدمت حل معضلات جنبش کمونیستی است. طبیعی است نیروهای مختلف سیاسی از دیدگاهها گوناگون به آن می نگرند. برخی دیدی روستفکرانه و جدا از تئوریک جنبش نسبت به آن دارند، برخی دیگر دیدی پراگماتیستی و برخی به آن فقط برای پوشاندن معایب خویش و دفاع از خود کجکوبند دیگران مینگردند. آنان تضاد عمده را در مبارزه ایدئولوژیک تشخیص نمی دهند و مبارزه ایدئولوژیک را نه در خدمت "افشا" و طرد نیروهای ضد خلقی و ارتقاء نیروهای انقلابی بلکه برای نجات خویش این بستیهای ایدئولوژیک بکار میگیرند ماضی بر روی چنین شیوه هایی هدف "خوش را" "نیروهای انقلابی و افشا" و طرد روزیونستیها میدانیم و می گوئیم تا مبارزه ایدئولوژیک را به آموزش و فراگیری (آموزش خود و دیگران) بدل کنیم. مبارزه ایدئولوژیک مادر نقد کتاب "ایما اکونومیستها" نیز از همین دیدگاه صورت می گیرد. بدین ترتیب فصل اول این کتاب را بر مبنای برخورد رفاقی پیشگام با مبارزه ایدئولوژیک در درون سازمان (م-ل) و نیز یک جنبش پرولتاریائی شیوه های گوناگون مبارزه ایدئولوژیک (پرولتاری و خرده بورژوازی) تشکیل میدهد.

فصل اول: چگونه پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافرازیم. بخش اول: از دید تمام خلقی مشی چریکی تا حزب تمام خلقی خروشچف. بخش دوم: آیا نظردارای حقانیت همیشه میتواند حاکم شود؟ بخش سوم: نفی انقلابی چیست؟ در چهارم: روزیونیسیم چیست؟ در پنجم: آیس-ج-ف-ن و افشا روزیونیسیم را شناخته و آن مبارزه کرده است. در ششم: آیس-ج-ف-خ و پیشگام یا مشی چریکی انقلابی برخورد کرده اند. در هفتم: شیوه های گوناگون مبارزه ایدئولوژیک و در کهای مختلف نسبت به آن.



رفقای پیشگام که دارای یک درک خرده بورژوازی نسبت به خلق و نسبت به سازمان انقلابی هستند، سخن از منافع سازمانی و خلقی مشترک اعضا سازمان و تضادهای درون خلقی در یک سازمان مدعی (م-ل) می گویند و بدین ترتیب فراکسیونها و چند مرکزیت را در سازمان (م-ل) به رسمیت شناخته، وحدت اراده ی سازمان (م-ل) را نفی کرده، به تنز روزیونستی حزب تمام خلقی در می غلطند.

فصل اول

چگونه پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافرازیم؟

بخش اول: از دید تمام خلقی مشی چریکی تا حزب تمام خلقی خروشچف!

نیوده صروسه حل شان نیز به نبرد تن به تن؟! بین رفاقیها نیانجامیده است. آيا می توان "مفهوم خلق" را در یک سازمان (م-ل) به رسمیت شناخت؟ می دانیم خلق در مرحله انقلاب دموکراتیک به طبقاتی اطلاق میشود که بر طبقه امپریالیسم صف آرا می کنند و می دانیم که خلق ما عبارت از کارگران بدوفا تا خرده بورژوازی است

از آنجا که مشی چریکی انعکاسی مستقیم و غضب فوق العاده آشنین روستفکرانی که نمی توانند یا امکان ندارند فعالیت انقلابی را با نهضت کارگری در یک واحد کل بهم برسانند (لنین - چه باید کرد ص ۱۰۲) و در حقیقت منعکس کننده گراشیستی هستند که مستی سنتی عقاید با به های میانیستی و نامعین روستفکران را نمایان میسازد (لنین - ماجراجویی انقلابی)

خرده بورژوازی در مرحله انقلاب دموکراتیک متحد میشوند اما نه در یک حزب، چرا که حزب یا سازمان سیاسی مانند دولت ابزار - مبارزه طبقاتی است، چه احزاب سیاسی جنبه طبقاتی دارند. حزبیت نقطه تمرکز نمودار و صف طبقاتی است. احسبنا غمیر طبقاتی و با مافوق طبقاتی هیچوقت موجود نبوده و با اصلاح سازمانی تمام خلقی (که بقول رفاقی پیشگام دارای وحدت منافع خلقی هستند!!) یکا حزب تمام خلقی که نماینده منافع طبقات معین نیاند تنها فریبی بیش نیست. حزب پرولتاریا دسته پیرو و متشکل پرولتاریا و فعالترین شکل سازمانهای پرولتاریا میباشد حزب یا سازمان (م-ل) نماینده منافع پرولتاریا و مظهر اراده است. دیگر اقتدار خلق که متحد پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک هستند (در چنین حزب یا سازمانی جایی ندارند مگر اینکه بغول انگلس و مارکس:

مشى چريكى ...

قسم فراكسيون بازى و تجزيه اقتدار در داخل حزب مافى است . بهمين علت است كه ...

وخرده بورژوازى كه درميون از سازمان - (م - ل) در مرحله انقلاب دموكراتيك ...

تمام اين دستجات خرده بورژوازى (كه بزعم رفقاي پيشگام داراي وحدت جناح ...

لنين مى گويد : " با داشتن رفرميستها و مشيوكها درصوف خود ، بورژوازي در انقلاب ...

تمايل نمايند ازهر پست مسئول شايه در بفايده نباشد . لنين و استالين ازسازره ...

خلق و بخصوص درصوف پرولتاريا مبارزه مى كند و مى كوشد تا براندیشه هاى انحراف ...

تابعيت كورگوازيه و آنچه حاكم است ، حقانيت دارد ،

ويژگى مشى چريكى است كه نهايتاً به بورژوازيستيم ، به فرمان از بالا ، به جدياى كامل از توده و به روزنيزيستم مى انجامد

پيشگام جايپاي رفيق جزنى گذاشته است كه مى گفت :

" باين مفهوم وسيعتر و واقعى تر زحمتكشان را جانشين مفهوم مجرد ؟؟! طبقه كارگر سازيم و براى تحقق ايدئولوژى طبقه كارگر در جامعه منتظر ظهور جنبش كارگرى نمى مانيم!

و بنحويك نبروهای موجود در جنبش ضربه نخورند انجام ميگيرد (تاكيد ازماست - قيام و اكونوميستهاص ۲۰۴)

ايجوتنيستى داخل حزب ، يعنى اكونوميستها ، مشيوكها ، ترسكيتستها ، بوخارينها و ناسيوناليستهاى منحرف است .

رفقاي پيشگام درنى يابند كه وقتى مى گويم تفادى انتاگونيستى است بمعناى اين ناست كه شيوه حل انهم انتاگونيستى است .

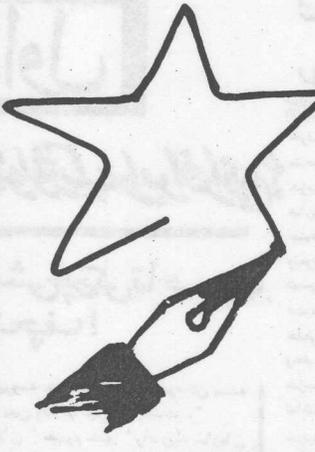
با توجه به خصوصيت ويژه طبقه كارگر ايران در شرائط حاضر بايد مفهوم وسيعتر و واقعى تر زحمتكشان شهر

با توجه به خصوصيت ويژه طبقه كارگر ايران در شرائط حاضر بايد مفهوم وسيعتر و واقعى تر زحمتكشان شهر

جذب كارگرى نمى مانيم . (همانجا ص ۱۷) بدين ترتيب طبقه كارگر در زحمتكشان حل ميشود و ايدئولوژى طبقه

بخش دوم: آيا نظر دلواي حقانيت هميشه مى تواند حاكم شود!

انها (انترناسيوناليستهاى دركردار) فقط آنها هستند كه فامد كنده توده ها نيوده بلكه نماينده توده هاى انترناسيوناليستى انقلابى هستند .



برافراشته باد پرچم مبارزه ايدئولوژيك!

گزارش گرامیشت

چندین عطرکد رفقای پیشگام و سازمان چریکهای فدائی خلق نشان میدهند که این رفقا حاضر به اتحاد با "هستند اما بسوی کونیستها" کمتر گرایش دارند! بی شرکت یکجانبه رفقای فدائی در راهپیمایی ۳۰ تیر در پیرو مجلس بدعت آیت الله طالقانی و آیت الله زنجانی در میتینگهای فدائی در رهبری آن لبرالهایی چون نهضت آزادی، جنبش و... حرکت داشتند و رفقای فدائی کوچکترین نقشی در تعیین شمارها و وضوین میتینگ نداشتند و شعارهای مذهبی با تائید رهبری خمینی تکرار میشد، اما حرکت واقعی برای اتحاد نیروهای ضد امپریالیست در یک جبهه متحد است؟ و حمایت از گاندیداهای کونیست (مرتضی الپوش، افخم احمدی، ابراهیم نظری) چنین عملی است؟ هنگامی که به تائید اقدامات ضد امپریالیستی آیت الله خمینی در شرایط کنونی بپردازیم (مطمانه راهپیمایی ضد امپریالیست) ... راستی رفقا امپریالیسم چیست؟ مگر نه اینست که امپریالیسم در صحنه مابین سرمایه داری وابسته یعنی دستگاه بوروکراسی حاکم و ارزان گذشته مگر نه اینست که دیالکتیک به ما موخته است به یک پدیده به مثابه یک کل برخورد کنیم. نگاه به اجزای "ارابه انحراف" میگردانند و با وجود آنکه ارتش در جوامع طبقاتی حتی تا ۸۰٪ افرادش کارگر و دهقانند اما ارتش ضد خلقی است، چرا که آنچه تعیین کننده یک حکومت است "افراد و اجزای" شرکت کننده در آن نیستند بلکه "سیستم هدایت و رهبری و کنترل" و اینکه این سیستم در خدمت کدام طبقات و حفظ کدام نهادها و ارگانهاست تعیین کننده است.

"سیستم حاکم" ایران کونست است سرمایه داری وابسته یک کل واحد است. چنین است که آیت الله خمینی تأیید از رفتن به درون جنبش میستی، اقدامات ضد امپریالیستی داشت. اما با اقدام شورای انفک و دولت و رفتن شورای انفک به درون "سیستم" دیگر خود جزئی از سیستمی شده است که "سرمایه داری وابسته" را حفظ می کند و نهاد های بوروکراتیک و نظامی آنها را می داند.

راستی ضد امپریالیست چیست؟ کسی که به این نهادها و ارگانهای امپریالیستی گزند میزند؟ یا کسی که این نهادها را حفظ می کند و در حرف به امپریالیسم دشمنان میدهد. یا کسی که اقدامات ضد امپریالیستی که البته اساساً به "نفوذ امپریالیسم آمریکا اهداف مرزینی" دهد و فقط محلی

است تا بردوش توده های ضد امپریالیست سوار شود؟ می تواند ضد امپریالیست نام گیرد؟ چنین قطعنامه ای نشان میدهد که رفقای فدائی هم به بالا نظر دارند و از تضادهای درون هیئت حاکمه حرکت میکنند. هیئت حاکمه که یک کل بهم وابسته است از آن جهت تضادهای در آن وجود دارد. نیروهای عامل امپریالیسم و آنان که بطور مستقیم با امپریالیسم در ارتباط نیستند و... اما در هیئت حاکمه میان این جناحها وحدت عمده است نه تضاد.

به بخش "خوب و بد"، "ضد امپریالیست" و "نوکر امپریالیست" تقسیم میشود! حرکت از جناحهای هیئت حاکمه ما را با هم سیستمی هیئت حاکمه شاه می اندازد که رویتونستها توده آبخش واقع بین و قانعیت برای آن بر می شمرند و آبخش واقع بین هیئت حاکمه می گویند تا وحدت کنند.

چنین است که رفقای پیشگام بخاطر شرایطات رویتونستی شان ترجیح میدهند با نیروهای انقلابی و کونیست وحدت نکنند اما صد البته بدین ترتیب آموخته میشوند تا با دامن رویتونستها بخزند. انتشارات پیشگام کرج که برای جمهوری متحد ترکی (۱)، گزشتین شاد با شهباز انتشار می کنند و در تمامی انتشارات خوب تاکنون بگلشن پراکنی، دروغ و افترا علیه سازمان پیگرد راه آزادی طبقه کارگر و دیگر کونیستها مشغول بوده است و همینطور دانشجویان پیشگام بانک ملی کعبه رویتونستهای توده ای مشترک "میتینگ" بر پا کرده اند شاهد این مدعا است. جالب اینجاست که "سازمان دانشجویان پیشگام" عملاً در مقابل این اعمال سکوت می کند. و از آنجا که در یک سازمان مدعی (م-ل) - با هستی وحدت اراده وجود داشته باشد و طبعاً نمی توان نظری متناقض نظر سازمان ارائه داد، مواضع انحرافی رفقای پیشگام کرج هرچقدری میتینگ مشترک توسط دانشجویان پیشگام بانک ملی رویتونستهای فدائی توده ای در مدرسه عالی بانک ملی نشان دهنده گرایشات رویتونستی رفقای پیشگام است (برای اطلاع از انعکاس این اقدام و خوشرویی دانشجویان در مکررات می توانید به امید شماره ۶ مراجعه کنید).

هدایت رهبری آن یک حقیقت لبرالیستی است و نه دموکراتیک (حمایت تلویحی از دولت بازرگان در مقابل انحصار زغلیبی آیت الله خمینی!! شرکت در تظاهراتات جمهوری خلق مسلمان، حلوا حلوا کردن حزب دموکرات و...)

بدین ترتیب ما حاضریم به رهبری میتینگ مشترک با این دوستان نشدیم

ستاد و خوش دشمنی:

همانطور که تا کنون درباره جنبش دانشجویی گفته ایم از نظر ما گروههای دانشجویی انعکاس سازمانهای سیاسی درون جامعه می باشند.

بنا بر این شناخت ما از ماهیت گروههای فدائی سیاسی درون دانشگاه به بر اساسی پلانفرم آنها بر روی کاغذ بلکه به اعتبار و بر بنیاد اینکه کدام گروههای سیاسی درون جامعه را نمایندگی می کنند می توان استوار و اصولی باشد. بعنوان مثال ما "انجمن دانشجویان مسلمان" را با توجه به اینکه شی و سیاست آن در دانشگاه، بازتاب شی "سازمان مجاهدان خلق ایران" (که یک جریان دمکرات و امپریالیست در سطح جامعه است) می باشد، ارزیابی می کنیم و از این جهت حاضریم همکاریهای دمکراتیک و ضد امپریالیستی با آن می باشیم.

همینطور است در مورد شکل های مردم دانشجویی درون دانشگاه که همگی به اعتبار وابستگی سیاسی - ایدئولوژیک به یکی از گروههای کونیستی موجود در سطح جامعه م.م.ل بشمار می روند. از آنجا که ما همکاری و اتحاد عمل با کلیه ائتلاف و گروههای دمکرات و ضد امپریالیست را ضرورت این مرحله از انقلاب می دانیم، تاکنون دیدگاههای خود را در این مورد چه در طرح کمیته انقلابی دانشجویان م.م.ل و چه در مورد ایجاد تشکیلات واحد دمکراتیک دانشجویی و بالاخره در مورد همکاری ها و ائتلافهای موضوعی (از قبیل برگزاری مشترک مراسم بزرگداشت ۱۶ آذر) با تمام نیروهای دمکرات، مطرح کرده ایم و بسیر طبق موازین آن حرکت کرده و خواهیم کرد. از جمله دعوت ما را برای مراسم روز دانشجوی، بر بنیاد دیدگاه ما از ضرورت اتحاد دموکراتیک دانشجویان انقلابی صورت گرفت.

اما همه نظریه که گفتم! اولین شرط اصلی برای همکاری، شناخت و تفکیک صحیح نیروهای دمکرات انقلابی، از جریانهای

لبرالی، امپریالیست و... است. لذا وقتی که از طرف "ستاد" برای شرکت در میتینگ ۱۶ آذر مراجعه شد ما شرکت آنان را نپذیرفتیم زیرا ستاد ادعا می کند که متعسف کننده هیچ جریان و گروهی سیاسی درون جامعه نیست (و گویا تشکیلی است "مستقل" و قائم بالذات و شناخت و موضع ما در قبال این تشکیلی می تواند بر بنیاد ارزیابی از نیروهای سیاسی موجود در جامعه که این گروههای انعکاس باشد قرار گیرد. و واقعیت "ستاد" و رهبری آن وابستگی سیاسی ایدئولوژیک خود را به هیچیک از گروههای سیاسی موجود در جامعه نمی پذیرد. بنا بر این مواضع ما نسبت به این تشکیلی در نهایت بر بنیاد ارزیابی از سیاست و عمل چنین تشکیلی در در صحنه مبارزات دانشجویی استوار - باشد و البته چنین ارزیابی نمی تواند بکرویه انجام پذیرد، بلکه مستلزم جمع بندی ما از سیاست و عمل این جریان در طی یک دوره از عملکرد آن خواهد بود. بعنوان مثال می توان از جریان "صدای دانشجوی" که از آغاز فعالیت خود رایک تشکیل دمکرات و ضد امپریالیست معرفی می نماید نام برد. ما از همان روز اول سبب شدن این جریان در دانشگاه نمی توانستیم ادعایش را قبول کنیم. البته در این ۹ ماه بخشی ماهیت امپریالیستی و نارادانستی آن آشکار شد. چه بخشی روشن شد علیرغم ادعای آن جتی بر یک جریان مستقل و ضد امپریالیست بودن، صدای دانشجویان سیاست و عطرکد امپریالیستی، دقیقاً تحت رهبری سیاسی - ایدئولوژیک "حزب کونیست کارگران و دهقانان" قرار دارد و خط شی این حزب کدائی را در دانشگاه پیاده می کند و از آنجا که "لوفان" از نظر ما یک جریان امپریالیستی است بنا بر این ما حاضریم همکاری با "صدای دانشجوی" نمی شویم.

بنظر ما برخورد "ستاد" نیز هم اکنون باید مشابه برخورد ما با صدای دانشجوی در آغاز اعلام موجودیت آن باشد. تنها اینکه پس از گذشت مدتی و آشکار شدن مواضع و تاکتیکهای سیاسی آن، بدین ترتیب شناخت شی و سیاست تشکیل "ستاد" در صورت اخیر موضع ما در قبال آن منطبق بر ارزیابی مان از آن تشکیل سیاسی در جامعه مشخصی شود.

گویانکه تا کنون نیز تا حدی این واقعیت که "ستاد" عملاً تحت رهبری گروه اتحادیه کونیستهای ایران" قرار دارد روشن شده است. زیرا علاوه بر اینکه تشکیلاتی که با اتحادیه کونیستهای ایران "بوه است" جمعیت ارگان گروه مذکور در شماره ۹۹ ضمن موضعگیری صریح در حمایت از "ستاد" می نویسد: "... تشکیلاتی که برای دانشجویان هوادار پیگار که برای برگزاری مشترک گردمانی ۱۶ آذر از "سه نیروهای ضد امپریالیست و مبارز" دعوت بعمل آورده بودند، از برگزاری مشترک این مراسم با دانشجویان تشکیل در "ستاد" خود داری کردند به این بهانه که گویی این سازمان دانشجویی وابسته به "اتحادیه" است، حاضر نشدند تا این مراسم مشترک برگزار گردد. چرا؟ زیرا "حقیقت" به پیگار "برخورده" است.

اینجاست که دم خروسی بهرون می زند و امپریالیسم پنهانی در می آید. اگر "ستاد" تحت رهبری اتحادیه کونیستها بقیه در صفحه ۲۰





ما و شوراهای دانشجویی (۲)

ب. شوراهای دانشجویان رونیونیست باصطلاح دمکرات:

رونیونیستهای توده ای که هدفشان رخنه در دستگاههای دولتی و کشاندن آن به سوی سوسیال امپریالیسم و مشاطه گری بورژوازی حاکم برای جلوگیری از انقلاب است برای تحقق اهداف ضد خلفی خویش در این امکاناتی هستند تا سیاست خوبی را بوسیله آن به پیش برند. نفس ارایین امکانات از حیثیت حاکمه به قیمت خیانت به خلق و همدستی با ارتجاع و امپریالیسم گدائی میشود و بخشی دیگر از این امکانات امکاناتی است که بورژوازی برای پیشگیری مقاصد ضد خلقی اش بوجود می آورد.

معتمدیم در شرایط حساس کنونی بجز در مناطق سرخ شوراهای موقعیت بوجود آمدن و رشد ندارند ولی همراه بوجود آمدن آنها در کارکنان حاکمیت بلا واسطه سیاسی کارگران و فنانسان و سربازان و سایر اقشار خلقند که نه در خدمت و در رابطه با نظام موجود بلکه مستقیماً در مقابل آن قرار میگیرند و میدمی افزایشند که:

۱- بدون تردید شوراهای در رابطه با نظام اجتماعی - اقتصادی میهن ما قابل طرح است.

این رابطه را چطور توضیح نمیدهد؟ چرا نمی خواهیم آرزویشان نشاید تا بینیم این رابطه چگونه است؟ نظام اجتماعی - اقتصادی ایران چیست؟ نظام شورائی چگونه نظامی است؟ حتی اگر نظام اقتصادی - اجتماعی ایران را از نوع جمهوری پارلمانی بورژوازی - دموکراتیک هم فرض کنیم باز هم صطوریکی با نظام شورائی که به قول انگلس در آن دیگر ولتیه معنی اخذ کرده وجود ندارد فرق دارد. و همانگونه که لنین میگوید:

"این قدرت حاکمه (منظور شوراست) بگی غیر از آن نوعیت که بطور کلی در جمهوری پارلمانی بورژوازی دموکراتیک که تاکنون تیب عادی بشمار میرفت و در کشورهای پیشرفته اروپا و آمریکا کلمه ریاست دیده نمیشود. چه بسا این نکته فراموش می کنند و چه بسا در آن صمق نمی ورزند و حال آنکه تمام که مطلب در اینجا است، این قدرت از همان نوع کونون پاریس (۱۸۷۱) است، آری رو نیونیستهای خاشن بخاطر تعین سیاست خود از واقعه ای تا واقعه دیگر مجبورند که بر این دستاوردهای بزرگ پرولتاریای جهانی که شوراهای برده های مسلح و انقلابی آنها دارند به سر پارلمانهای بورژوازی خطبطلان بکشند. آنها مجبورند که این اصل لنینی را که شوراهای در زمانهای خاص ایجاد میکردند و گسترش می یافتند فراموش کنند. سخن از گسترش شوراهای در چنین شرایطی عملاً همکاری با دولت ضد خلقی و فریب توده هاست. رژیم ضد خلقی شوراهای انقلابی خلق را در گردستان به خاک و خرد میکند و رهبران آنها را مانند رقیب شهید فواد صطغی سلطانی را به قتل میرساند و آنچه مسئله شوراهای رابط میسازد رو نیونیستهای خاشنه در رابطه با چنین نظامی شوراهای را قابل طرح میدانند مگر نه اینکه شوراهای فقط در مناطقی سرخ صا آنها شوراهای مسلح توده هاست مطرح است و هم اکنون نبرد بی امان میان همین شوراهای و دولت ضد خلقی در گریست و نبرد رابطه با نظام اجتماعی - اقتصادی موجود؟ مگر نه این است که نظام موجود در کشور ما از

لحاظ اجتماعی - سیاسی دیکتاتوری بورژوازی همراه با پشتیبانی تمام عیار خرد بورژوازی و بخصوص رهبری آیت الله و از لحاظ اقتصادی سرمایه داری وابسته به امپریالیسم است.

مردم نیست بلکه در خدمت ارتجاع و در خدمت فریب توده ها و تهنی کردن مفاهیم انقلابی و در خدمت به لوث کشاندن "شورا" این بزرگترین دستاورد انقلاب خلقها صرولتاریا جهان است.

ج. شوراهای دانشجویی و رونیونیستی دانشجویان پیشگام با آن:

۱- رکنار ارتجاعیون و رو نیونیستهای خاش، نیروهای انقلابی چون سازمان مجاهدین خلق و نیز رفقای پیشگام، منتها یا اهدافی کاملاً جداگانه از شوراهای سخن میگویند (بدون تردید میان نیروهای انقلابی که شعار میورند ارتجاع را نکرار میکنند با خود نیروهای ارتجاعی خط فاصل روشنی وجود دارد). اعلامیه رفقای پیشگام در مورد وظایف شوراهای دانشجویی صیها هم از مان دانشجویان پیشگام به شوراهای دانشجویی حاوی نکاتی است که ماضن بررسی آنها انحرافات اترشان خواهد داد.

۲- رفقای پیشگام انتظار دارند که شوراهای تنها در کنار دولت بورژوازی بسر برد بلکه دولت بورژوازی صصیمات آن بر صصیت بشناسد در دانشگاهها نیز تضعیف و از محتوی خالی کردن شورا، از طریق سلب قدرت اجرایی آن و محدود نمودن اختیارات شوراهای توسل به مقررات بوسیده اداری گذشته و یا اخلال و کارشکنی چه رسمیت شناختن صصیمات متخذه شورا (تأکید از ماست)، مساندن اخراج عناصر وابسته رژیم سابق که ابتدائی ترین خواست جامعه دانشجویان است و... صورت میگیرد (نظرها زمان دانشجویان پیشگام ...) رفقا انتظار داشتن از دولت بورژوازی صصی بر رسمیت شناختن صصیمات شورا و تأیید آن از کارشکنی ها و اخلال لگربهای دولت بورژوازی در قضا چیزی جز تریک مواضع دموکراتیک انقلابی و در ظلمتدن لبرالیسم نیست. چگونه میشود انتقاد داشت که دولت بورژوازی در مقابل دشمن طبقاتی این شورا که وظیفه تاریخی بگوسیردن او را در سر تعظیم فرود آورد و بغول صصیمات شورابرسیمت بشناسد و از همه اسفناکتر اینکه این شورا هرگز بعنوان آلترناتیوی در مقابل دولت دیده نشده و فقط ناله زاری را بر صصیمت شناختن صصیمات شوراهاست.

۳- رفقا تمام خواستههایی را که اترشوا خواسته اند دقیقاً خواستههایی حرفه ای یا صصی است که در خدمت خواستههای از یک صصیت نمایندگان انقلابی دانشجویی است، نه شورا (مارکسیسم - لنینیسم به اندازه کافی به ما توضحه است که شورا چیست) این چنین برخوردی با شورادر حقیقت تهنی کردن مفهوم انقلابی شورا

۴- رفقا تمام خواستههایی را که اترشوا خواسته اند دقیقاً خواستههایی حرفه ای یا صصی است که در خدمت خواستههای از یک صصیت نمایندگان انقلابی دانشجویی است، نه شورا (مارکسیسم - لنینیسم به اندازه کافی به ما توضحه است که شورا چیست) این چنین برخوردی با شورادر حقیقت تهنی کردن مفهوم انقلابی شورا

رو نیونیستها این مشاطه گران بورژوازی و امپریالیسم

"شورا"، این دستاورد عظیم پرولتاریای جهان را در رابطه با نظام اقتصادی اجتماعی کنونی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قابل طرح می دانند!

۵- رفقای پیشگام می نویسند: " اکنون در سطح جامعه تبلیغات وسیعی برای تشکیل شوراهای خود ناشی از فشار توده هاست صورت می گیرد، لیکن معیار قضا و تودوری مادرمور شوراهای واقعی، طرح و تکرار هزار باره شکل صوری و ظاهری آن نیست بلکه معیار و ملاک آن عملکرد این شوراهای در جهت منافع توده ها و بالطبع حمایت توده ها از این شوراهای است."

در این مورد هم تاکنون، نارسائیهایی فراوان داشته است. و نه ارگان حاکمیت سیاسی توده ها. بدین ترتیب محور اصلی این اعلامیه کاملاً نادرست بوده و اعلامیه رفقای پیشگام در خدمت یک خط انحرافی ولیبرالی بوده که فقط میتواند پرده ساتری بروی شوری واقعی بپوشد و ایجاد توهم کند نه اینکه راه نشان دهد و افشاکری کند.

۲- رفقای پیشگام می پندارند که شورادر هر لحظه میتوان تشکیل داد و از این سو و نه تنها در شرایط کنونی شوراهای رابط می کنند بلکه می نویسند " رشد و گسترش شوراهای دموکراتیک و مردمی همواره (تأکید از ماست) در جهت تقویت اعمال حاکمیت مردم و قطع نفوذ امپریالیسم و وابستگی آن خواهد بود. (اعلامیه نظرسازمان دانشجویان پیشگام در شماره شوراهای دانشجویی). خیر رفقا، رشد و گسترش شوراهای در جهت تقویت حاکمیت مردم نیست اگر در نهایت شورادرگان قیام توده ها و ارگان قدرت انقلابی است و نه انجمن نمایندگان صصی، اگر در نهایت فقط در شرایطی خاص (که لنین کبریا می آن شرایط را نشان داده است) بوجود می آید، آنچه رشد باصطلاح این شوراهای نه تنها در جهت تقویت اعمال حاکمیت

۶- رفقای پیشگام می نویسند: " این جلات ضمن اینکه نگرانی رفقا را نسبت به طرح و تکرار هزار باره شکل صوری و ظاهری "شوراهای" خود هدا مایه این نکته توجه نمی کنند که شوراهای محصل دوره خاصی از رشد و تکامل مبارزات توده هاست و قبل یا بعد از آن در شرایطی غیر از آن دوره خاص نمی توان آنها را بدخواه و با نیات خشن ایجاد کرد و هرگونه اصرار و چانه زدن در حکم افزودن به توهم جرح پنجم ارابه دولت بورژوازی خواهند بود)

ما و شوراهای ...

"شورا" موظف است فعالیت سازمانهای دانشجویی را که دارای پایگاه دانشجویی و سابقه مبارزاتی باشند برسمیت بشناسد .

مثل اینکه رفتار انوش کرده اند که اصولا - شورا چیست ؟ یا آنها تصویری کنند که شوراها نه تنها از دل مبارزات توده ها و در اینجا دانشجویان برمی خیزد بلکه باید - سازمانهای دانشجویی را برسمیت بشناسند و لابد یک وظیفه هم اینست که دانشجویان راهبرسمیت بشناسند ؛ (چرا ؟ مگر سازمانهای دانشجویی جدا از دانشجویان هستند ؟) توده های که باستانی با قدرت سلاح خویش شورا را برقرار کرده باشند سازمانهای انقلابی که باستانی آنها سازمانها داده باشند ضامن حفظ و گسترش آن باشند از شورای خوداوند که آنها را برسمیت بشناسند و حافظ رشد و گسترش آنها باشند !!

اینجا این جملات نشان نمی دهد که شورا در نظر رفقای پیشگام بیرون از سازمانهای انقلابی دانشجویی است ، چنین شورایی ایمنی تواند "شورا" باشد . سازمانهای انقلابی در زمانی که باستانی شوراها پیدا آیند با سازماندهی مبارزات توده ها با بهره انقلابی آنها را تشکیل میده و این شوراهای و همچنین این سازمانهای انقلابی (چه دانشجویی و چه غیر دانشجویی) - مشروعیت انقلابی خواهند داشت و با بهره انقلابی خویش قانون انقلابی خود را تدوین می کنند و نه اینچنین ملتسانه به قوانین بیرونی جنگ بزنند .

رفقا ، نمی توان انقلابی بود - احزابیست بود و ضد ارتجاع را ارتجاعگرار شعاریست در نیافت . نمی توان از مارکسیسم دم زد و مفهوم انقلابی و طبقاتی و شریایست خاص استقرار آن در نیافت ، مواضع شما در مورد شوراهای دانشگاهی ، لیبرالی و غیر مارکسیستی و ترکان کننده است ، وظیفه شماست که با برخوردی انقلابی به ایمن مسئله یاد دیگر نیروهای انقلابی در مورد افتخار به اصلاح شوراهای که شهپر شورا - می دهند همدان شوید ، نگذاریم ، شوراهای این ارگهای انقلابی توده ها بسود عروسکی برای فریب خلعها بمان بدل شود ، از شوراهای واقعی "لنینیستی" دفاع کنیم و ماهیت آنها را برای مردم توضیح دهیم و اهداف ارتجاع را نهی کنیم - شعار شورا افتخار کنیم

د. انجمن (یا کمیته) نمایندگان دانشجویی و نه شوراهای دانشجویی:

گفتیم شورا چیست و ارتجاع چه اهدافی را در این میان دنبال می کند ، اکنون باز هم می گوئیم ما خود را موظف میدانیم که در کنار دیگر نیروهای انقلابی در فعال توده ها از ما هم انتقالی و کمیونستی چون شورا که به قیمت مبارزات خونین پرولتاریا

رفقای پیشگام کمیته های نمایندگان راجای شوراهای لنینیستی

می گیرند و می پذیرند در هر موقع می توان شورا را تشکیل داد ،

انتظار دارند که دولت بورژوازی تصمیمات آنرا برسمیت بشناسد ،

شورا را جدا از سازمانهای انقلابی می پذیرند و خلاصه "شورای لنینیستی"

به زائده بورژوازی تبدیل کرده ، بر توهم توده ها می افزایند .

و خلفای جهان حاصل شده است دفاع کنیم و هرگز اجازه نخواهیم داد "شورا" این دستاورد های خونین پرولتاریا به طایف برای فریب توده ها بدل شود . از این سو "شورا" اعلام می کنیم که در این انجمن های نمایندگان دانشجویی فعلا نه شرکت کرده و در صورت موکراتیک بودن آنها به آن - احترام می گذاریم اما هرگونه کوششی را چنی بر جازدن این انجمنهای نمایندگان دانشجویی بجای شوراهای افتخار خواهیم کرد . حتی اگر بگویند تا این انجمنهای دانشجویی را بعنوان "شورا" جایز نمانند ما ضمن شرکت در آن ، دست به افشاکاری در مورد "شورای واقعی" می زنیم . بنظر مادرمورد انجمن نمایندگان دانشجویی چنین است :

۱ - آنچه که بنام شورایان یاد می کنند انجمن (یا کمیته) نمایندگان دانشجویی است ، نه شورا .

چرا که شورایان بنام توده ها و ارگان قدر انقلابی است و در مقابل ارتجاع که میکوشد ماهیت انقلابی "شورا" را میندازد کند ، ما ضمن شرکت در این به اصلاح شوراهای اهداف ارتجاع و ماهیت واقعی شورای توضیح خواهیم داد .

۲ - انتخابات این انجمن نمایندگان با بیستی کامل "دموکراتیک" بوده و افراد و گروههای مختلف شرکت کننده در انتخابات

فعالیت های صنعتی و سیاسی دانشجویان استادان ، کارگران و کشاورزان ، فراهم آوردن امکانات رفاهی برای دانشجویان (خوابگاه ، سلف خرویس و ...) و ...

۶ - این انجمن با بیستی بکوشد از کسود درهای دانشگاه را بسوی توده ها کسود و امکانات آموزشی ، فرهنگی و فوق برنامه راحتی الامکان در اختیار توده ها قرار دهد .

۷ - و بسوی دیگر بکوشد ، تا امکانات نزدیک و دلسازی توده ها را از طریق کارآموزی ، پروژه - های تحقیقاتی و امکانات کار در کارخانه مزارع ، مدارس و ... فراهم سازد .

۸ - ماسی دانیم که ارتجاع از تحقیق بسیاری از این خواستها جلوگیری کرده و - تحقیق بسیاری دیگر با مبارزات دانشجویی قابل دستیابی است . اما با تفرق ما در مورد انجمنهای نمایندگان در دانشگاه چنین بود . و در راه تحقق آن بعنوان یک کوشش حرفه ای و صنعتی در کار مبارزات - سیاسی خویش همراه خلق خود برای تحقق برنامه حداقلی (۲ - ل) - "جمهوری دموکراتیک خلق" مبارزه خواهیم کرد .

- ۱ - بنام نیرومایت واقعی شوراهای لنینیستی را برای توده ها توضیح دهیم
- ۲ - اهداف ارتجاع را از عنوان کردن شعار شوراهای افتخار کنیم
- ۳ - انجمن نمایندگان دانشجویی را برای داشته اترا به یکی از سنگهای مبارزاتی خود بدل سازیم
- ۴ - در جهت پیوند با خلق و مستگیری هر چه بیشتر بسوی طبقه کارگران و کشاورزان و مبارزه با ارتجاع و امپریالیزم پیش

۵۸/۷۲
دانشجویان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر



صبر خود روزهیونستی توده ای به آن - خواهیم پرداخت . اما در اینج - همین اشاره کامیست تا خاطر جمعی روزهیونستی را در محیط "هنر پهلوی" .



توده بود ، نمونه بارزی از ارایده الهیستهای کامل بشمار می آیند . آنان در انتشار ما هم ایده الهیستی هنر ، از نظرات "البوت گرفته تا" از پانند "از رجو" گرفته تا "مارتس" سهم بسیاری داشته اند . با تمام آنکه "بیر تمهد" ، آنان شدیداً از درک طبقاتی هنر سازنده و واهمه خود را از اینکه هنر بخانه یکی از اشکال ایدئولوژی بسود ترویج و تبلیغ بپردازد بیان داشته و حتی ابراز نگرانی نموده اند .

خطری که امروز ادبیات نوین توده ای را تهدید می کند از همین نقطه است .

خرده بورژوازی با تحمیل توجهات فرا - طبقاتی خود ، اگر چه می پذیرد که هنر می تواند از دردها و نوجها سخن گوید لیکن با در نظر گرفتن به دامن صورت بورژوازی از هنر شدیداً با هنر مبارزه جوانه ، با هنر صریح و سیاسی به مخالفت برمی خیزد بخصوص آنچه هیچوجه تن به مفاهیم و وظایف مارکسیستی - لنینیستی هنر نمی دهد ، و هر آنکس که بخواهد با ایمان به مبارزه آزاد بخش و با درک ضرورت رهبری پرولتاریا به گسترش احساسات آگاهانسه خویش بکوشد در برابر ضرات نه انتقاد که ادعاهای خصمانه خود ، گیرد . تا آنکه در چنین مقطعی استادان هم ، اما آنچه که در این مقطع بطور برجسته می تواند اثر

... هنر پهلوی

تعامل روان داشت . حاصل این ولع نیست حاکمیت توده ها و گرایشهای الهیستی در رمحل های ادبی و هنری مایسوده است . برداشت ماتریالیستی از هنر در بهترین صورت خود بگونه ای نادرست باخته و تاپیکیر در آثار باقی نده و نویسنده گانی وجود داشت که از هنر "تمهد" دفاع می کردند . یکی از بهترین نمونه هسای این نوع نقد ، بررسی ماهی سیاه کوچولو در "آرش" توسط هزار خانی است - لیکن کلا" طرقداران هنر متمهد را نمایندگان ادراک ماتریالیستی یا لنینیستی از هنر دانستن اشتباه است . طرقداران هنر متمهد چه بسا که ایده الهیستهای تمام عبار میورده اند . آنان که عموماً در ادبیات از ادبیات "خرده بورژوازی" اند هسای سبب مودیت در گانه خود ، در عین حال که از هنر انقلابی و متمهد - با بدیدگاهی همه خلقی و غیر طبقاتی - در همان حال از خوان گسترده آثار بورژوازی بهره ها می گرفته بسیاری از کسانی که در "س - جریانات ادبی دهه چهل قرار گرفتند بودند و بری به عنوان مسد افع هنر "تمهد" در محافل ادبی کشور ما شناخته

ماوه ۱۶ آذر

پیام مشترک

★ دانشجویان برادر راه کارگر ★ دانشجویان مبارز فرزندان توده کارگر ★ دانشجویان مبارز آزادیخواه کارگر

برسبب ۱۶ آذر

مخالفت است (جمعی است قهرانقلابی از نظر کمونیستها، قهرانقلابی توده های مسلح است) اما بصورت ایستا هر عملیاتی که قوانین شاهنشاهی را نقض کند ، مخالفت می کند . همیشه شکستن دانشجویان که نمایانگر تعرض آنان و انعکاس مضمون چریکی در درون دانشگاه است را به ساواک نسبت میدهد . شعار مرگ بفرستد شاه و مرگ بر امپریالیسم را هزاران حرفه و نیرنگ می گویند تا به شعارهای صنفی تقلیل دهد و نظایرات را از کوجه و خیابانها جنوب شهر به جلوی مجلس شریایی بگذارد (نوبت شماره ۱۷) و میخواید زهرچین را علیه امپریالیسم بپزیرد .

و تازه همه اینها را بوسیله راهب صنفی گذاش خیز انجام میدهد و پس بر ازاعتلا انقلابی و مبارزات توده ها که منجر به شل شدن دیکتاتوری شاه گشت در نوبت هایست چنین می کند .

در این ماههای (۵۷-۵۸) دانشجویان توده ای نه در یک تظاهرات شرکت دارند . نه در یک اعتصاب ، نه در یک تظاهرات زنگنه و نه در تحریک انتخابات و نه حتی در فعالیتها صنفی مانند کوهنوردی . آنان که خود را از ترس رژیم در پستوهای خانه شان پنهان کرده اند بقول رفقای دانشجویان در همان زمان مشغول " مطالعه " هستند . در کویچکترین مبارزات دانشجویی شرکت ندارند . آنان بقول لنین :

همانند گدشته و اینها همراه عده ای اکثریت ، مطبوعات لیبرال ناله و فغان زار داده اند ، پروفیسورها هم بسه سوگواری مشغول شده اند . از روزگرمه اب بینی خود را بالا می کشند ، حکومت التماس می کنند که راه ارتجاع را در پیش نگیرد و از یک فرصت عالی استفاده کرده و در کسری که از تشنج فریاد توده است با اصلاحات نظم و علاج را بر فرار سازد آنها به دانشجویان التماس می کنند گیمه اعمال غیر قانونی که فقط می تواند بیهانه ای بدست ارتجاع بدهد متوسل نشوند ، و غیره و غیره و غیره چه امکان نقدی و مشغول واقعاً که این نواها بزرگ کرده شده اند .

(لنین - جنبش دانشجویی در اوضاع سیاسی کنونی - تاکید از مات)
آنان هر عملیات انقلابی دانشجویی را " چپ روی " میخوانند ، و آنها را نامساز میگیرند " صیغه ، بیف کتان به سوراخهای ترس خویش میگیرند . تازه در سبب حوضه پیام است که تاریخ زده روینویستهای ما بر اثر ناخوشگرمای انقلاب آب میشود و حضرا دانشجویی توده ای مرشان را از سوراخها در می آورند و جلال و جبروت یک اکثر افراد احمق تبه درون جنبش دانشجویی شرفیاب میشوند تا در آن خرابکاری کنند چه سازش با هیئت حاکمه و اهداف خویش بکنند .*

(ادامه دارد)

بخش ۲ این مقاله در حقیقت مقدمه ای بر جمع بندی مبارزات دانشجویان انقلابی بر سالهای اخیر است . ما در اینجا فقط خطوط کلی تحلیلها را ارائه داده و از شماره های بعد خواهیم گویند جمع بندی خویش را ارائه دهیم .

امروز ۲۶ سال از ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ می گذرد ۲۶ سال که شاهد جنایات و غارت - امپریالیسم آمریکا و وابستگی داخلش بودیم در تاریخ مبارزات هر ملتی واقعی وجود دارند که اهمیتش نه تنها در موقعیت خاص تاریخی و اجتماعی لحظه وقوع آن بلکه در تاثیرش بر روی تکامل آتی مبارزات آن ملت میباشد . آذر سال ۳۲ نزدیکترین واقیع است . حدود ۴ ماه پس از کودتای ننگین و خونین امپریالیسم آمریکا علیه خلق دلاوریان روی کار آمدن مجسده شاه خائن نیکسون ، معاون ریاست جمهوری به نمایندگی از جانب سرمایه داران و حصارگران آمریکایی ، برای باز بدنتایج کودتای مترجمانه سیا و ارزیابی موقعیت شاه ، نوکر سرسپرده امپریالیسم ، به ایران آمد چند روز قبل از آمدن نیکسون ، شاه جلال کرد رصد انبساط نوگریش برود سعی کرد با ایجاد جو رعب و ترور و وحشت ، شرانطی بوجود آورد تا " آرامش " به زور سرسبز برقرار شده را بهر ارباب خویش بگذرد . بدین منظور ، انشده سخت زیر کنترل بود و چند روز قبل از ورود نیکسون عده بسیاری از فعالین جنبش باز داشت شدند تا به خیال خودشان بدین طریق جلوی مبارزه قهرمانانه دانشجویان انقلابی گرفته شود .

اما اینها نیز مانند همیشه سیر تاریخی مبارزه جواب دندان شکنی به امپریالیستها و مترجمین داد . با تظاهرات دانشجویان انقلابی در روز ۱۶ آذر تمام حسابها غلط از آب درآمد و رویاهای شیرین شاه خائن به گابوس بدل گشت . جلا در خلقهای ایران که هر اسان شده بسوزی جوانان دستور حمله به چترها از روزگرمه دست پرورده امپریالیسم آمریکا را در نمود . و تظاهرات به حق دانشجویان انقلابی به خون کشیده شد بخونی که تداومش راهواره شاهد بودیم و سپردن آباخون زحمتکشان میهنمان در آمیزش و سیل خروشان بدل شود تا اینکه ننگ امپریالیسم را از صحنه تاریخ بشوید جان گرداند .

به دانشجوی قهرمان شریعت رضوی تقدیمی و بزرگ نیاد را در به شهادت رسید و عده زیادی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و زخمی شدند ، آرزوی آزادیگاهها نیز مورد هجوم قرار گرفته و وحشگری و درنده خوئی رژیم به طرز کامل به نمایش گذاشته شد از اینتر ۱۶ آذر سال ۳۲ ، سنبل مبارزات دانشجویان انقلابی و الهام بخش این مبارزات در سالهای پس از کودتای و جایگاه مهمی در جنبش دمکراتیک ضد امپریالیست خلقهایمان یافت .

اهمیت تاریخ ۱۶ آذر در شرایط استیلا حکومت کودتا و نقش جنبش دانشجویان انقلابی در سبب حاکمین جلا در کودتایست ، اهمیت آن مخصوص در فهمیدن موقعیت اجتماعی خاص موجود در جامعه به هنگام کودتایست معال امپریالیسم و ارتجاع داخلی و از همه بالاتر نقش نیروهای سیاسی موجود میباشد . مبارزات حق طلبانه مردم مستبد ایران که در عرض ۱۲ سال اوج نوبتی یافته بود به شکست منجر گردید ، اما این شکست

تنها نتیجه توطئه ها و دسائیس دربار و امپریالیسم آمریکایی نبود ، این شکست در واقع شکست خط مشی های سازشکارانه لیبرالی و در نهایت ضد خلقی سران حزب توده و جبهه ملی بود . این شکستی بود که میبایست تا و انش را خلقهای زحمتکش ایران میدانند .

پس از شهریور ۲۰ ، با از هم پاشیده شدن دیکتاتوری رضاخان ، برقراری نسبی آزادیهای دمکراتیک ، گسترش فقر و نا رضایی توده ها مبارز قحط و فلاشی ناشی از جنگ در کشور محیط مساعدی برای فعالیت سیاسی ، توسعه مبارزات ضد امپریالیستی و طبقاتی پدید آمده بود . زندانیان سیاسی آزاد شده که بطور عمده از گروه ۵۳ نفری کسب کسبهای سابق بودند از فرصت استفاده نمود مبارز بگرمه صحنه سیاسی کشور گام نهادند . و چون در نظر داشتند جنبش با خصوصیت ملی و دمکراتیک و در آغاز بیشتر ضد فاشیستی تشکیل دهند که قشرهای وسیع اهالی را در برگیرد ، در عین حال فعالیت آن موجب رسیدن هیئت حاکمه و انگلیس نشود . از اینرو از شاهزاده سلیمان میرزا اسکندری (پدر امین اسکندری) و سیاستمداران آزادیخواه دوران مشروطه دعوت کردند که ریاست موسسان حزب را بپذیرد . همچنین حزب توده با این خصوصیات - تا همین گرهید . حزب توده تشکیل داد . نبود که انبساط مبارزات توده ها برآمده و در کون مبارزات امپریالیسم و ارتجاع آید به شده با آمدن و از سوی دیگر مردم تشنه مبارزه گمارفتن دیکتاتوری زمینه مساعدی برای فعالیت یافته بود توده ها لحاظ فعدان تشکیلات شناخته شده ای که بتواند این حرکت را بر سر نیاید ، بسوی حزب توده که از زمان تنها تشکیلات ایجاد شده با اهداف ترقی خواهانه در مقابل دربار بود روی آوردند و خصوص در صدد بسیاری از کارگران در شورای متحد مرکزی سراسر ایران متشکل شدند .

اما زهان آغاز حزب یاد میش گرفتند خذ مشی فرمیتی و راست روانه اش عملا راه مخالف حرکت توده ها را در پیش گرفت و این امر این ترکیب را بدیده اولیه قابل پیش بینی بود .

در سالهای ۳۴ - ۳۳ حزب توده دست به ایجاد سازمان جوانان زد ، این سازمان به خاطر نقش که دانشجویان و جوانان در آن داشتند از بناسیل و مادگی بسیاری برای مبارزه برخوردار بود و همین خاطر در طی این سالها و سالهای بعد ، انقلاب بیون مبارزی چون کوچک شوشتری ها و ارطغان ها صیون جزئی ها از روش سر خاستند با اینکه ستم رهبران حزب همیشه در به انحراف گماندن آرزوی انقلابی این سازمان و سوار شدن بر آن برای لشکر کشیهای فراکسیون علیه بگرمه بود اما بناسیل انقلابی این جوانان ستمی بود که بارها بارها از خط مشی اصلی حزب فراتر میرفت و جهت واقعی خود را میبافت . طی این سالها با وجو گری جنبش خلقها تحت ستم و عکس العمل جنایتکارانه در باره پستوان امپریالیسم مبارزات میهنمان اوج نوبتی گرفت و بیگان حمله اش را متوجه

امپریالیسم و بخصوص امپریالیسم حاکم آرزوی میهنی انگستان نمود و جنبش ملی شدت نفت حرکت واقعی مردم را به نمایش گذاشت . بسیج عمومی آرزوها علیه امپریالیسم را در سنا مبارزاتی خلقهای میهنمان علیه امپریالیسم این دشمن اصلی میهنمان می باشد .

اما خیانت پیشگی رهبران حزب توده بعدم توانایی و زحمتکشان سیاسی سوسیال بورژوازی یعنی جبهه ملی در رهبری جنبش سراسر ملی جز شکست برای جنبش به بار نیاورد و مبارزات قهرمانانه خلقهای میهنمان با کودتای ۲۸ مرداد به شکست کشانیده شد . و این شکست و شکست سیاسی اید لوکوزیک رهبران حزب توده و جبهه ملی را نتیجه اثبات رسانید رهبرانی که موعود کودتا را میدادند و ملی چشم سراسر فرو بستند و خیانت تاریخیشان را آغاز نمودند جبهه ملی نیز که بخشی از قدرت سیاسی و دولتی را در کف داشت و بسوی جوانان و نایابری جوانان اجتماعی و طبقاتی کوه کوهترین حرکتی در مقابل کودتا نمی توانست انجام دهد توده متشکل حرا توده به همه مردم آماده ایثار و جانفاری تا آخرین قطره خوششان برای در دست گرفتن قدرت سیاسی بودند اما رهبران در پی چگونگی آب سرد پاشیدن بر روی آن بودند پس از ننگ آبدی و تاریخی برجبرهای کره ، خائن سازشکاران با خون سن پتی کارگران ، دهقانان و جوانان مبارز و انقلابی میهنمان نقش بست که هیچ چیز خواهد توانست از پای آن کند . حزب توده بخصوص با روی کار آمدن خورشید و غدید لئونی که به یک حزب روینویستی و فرموله کننده انواع تزهاری آنتی طبقاتی در اشکال مختلف در سبب جهانی سیاستهای تغییر کرده چه حزبی روینویستی ، مترجم ضد خلقی تبدیل گشت که هدفی جز سبب استانی بسوی درگاه بورژوازی و هیئت حاکمه نداشته و ندارد .

بدینسان جنبش حق طلبانه خلقهای میهنمان به شکست انجامید ولی مبارزه همچنان ادامه یافت . ۲۶ آذر بسبب مقاومت مردم تنها مقاومت بلکه تعرض در مقابل کودتا برای نشان دادن مبارزه جو مردم بود ، میان شکست و انحطاط خط مشی های خیانتکارانه سازشکارانه حزب توده و جبهه ملی بود . اگر چه دانشجویان شهید عضو سازمان جوانان حزب توده و جبهه ملی بودند . ۱۶ آذر روزی است که سنبل پیروندی جنبش دانشجویی با جنبش توده ها و مقامی دلیرانه دانشجویان بر علیه رژیمهای ارتجاعی و آغاز مبارزات نوبتی در جنبش دانشجویی است . لیکن هیئت حاکمه فعلی با سرسوز گذاردن مبارزات دانشجویان و سایر انقلابیون راستین با وارونه جلوه دادن اهداف اصلی این مبارزات اینطور وانمود میکند که چه در گذشته و چه در حال این تهاوراتیون بوده اند که ستم علیه سلسله امپریالیسم و رژیم شاه مبارزه می کردند ، در حالی که نگاهی کوتاه

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر



گزارشی از برنامه بزرگداشت شهدای ۱۶ آذر در دانشکده ادبیات - ۵۸/۹/۱۸

روزگانش هیچ حقی را برای انقلاب بیرون در نظر نگرفته همه خیال خود می خواهد همه را سرکوب نماید، در این رابطه هیئت حاکمه دشمن خود را خوب تشخیص داده است و که هیچگاه نه می خواهد و نه می تواند به خواست خلقها و زحمتکشان پاسخ گوید، سعی در به انحراف کشاندن مبارزه بخصوص مبارزه ضد امپریالیستی مردم زحمتکشان دارد، اما این بار گران بدوش انقلاب میون و دانشجویان انقلابی است که با افتخاری و تبلیغ و ترویج توهم توده هارایشکنند و وظیفه خود را انجام نمانند. این وظیفه کمونیستهاست که پرچم این مبارزه باشند دانشجویان رزمنده و انقلابی!

اکنون که کولمبا ری از تجربیات خونبار جنبش دانشجویی را بدوش میکشیم باید که از گذشته بیاموزیم و با تشکیلات خود در جهت همگون کردن مبارزه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی دانشجویان انقلابی بی مبای توده هابریوم، بیوف خود را فترت کرده و روی رویونیتها ی خاشن توده ای و همالکم اینان سه چپاسی های مرتجع را رطلر و افتخاکیم، لبر انهارا متفرج کنیم و دوشادون خلقهای میهنمان به مبارزه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی با نام رزمند. اکنون هیئت حاکم در دست تمام شرعای قیام را به نابودی کشانده و این آزادی نیم بند را در راتر شوره خون پیش از ۷۰۰۰ شهید به دست آمده به بند کشد و تنها مبارزه پیگیر و متشکل انقلابیون به ۵ مراه زحمتکشان است که میتواند مدی در مقابل بیرون دویساره قهرمان در عمل این را اثبات نمود، پس بکار دیگر با اتحاد و همبستگی در صفوف خود و مبارزه علیه امپریالیزم و مزدوران داخلی و وظیفه مقدس و تاریخی خود را در این راه هر چه بر توان ترا دامه دهیم.

گرامی باد خاطره شهدای ۱۶ آذر ۱۳۲۷ متحکمان دیوندا انقلابی دانشجویان رزمنده و خلقهای قهرمان ایران! مبارک بر امپریالیسم و ارتجاع!

دانشجویان هوادار راه کارگر، دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر و دانشجویان دانش آموزان هوادار سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر.

((۵۸/۹/۱۵))

روز چهارشنبه ساعت ۳/۵ دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر مدرسه عالی بایلسرجهت همگامی با مبارزات غمناک امپریالیستی توده ها گرد همایی در مدرسه عالی بایلسر ترتیب دادند. در ابتدا یکی از دانشجویان رتوبی برنامه را فرات کرد و توضیح در مورد گرد همایی داد. ویدنیالی آن یکی از دانشجویان در مورد شهدای انقلابی نامزده هم آثر و نقش دانشجویان در مبارزه توده ها مقاله ای خواند، سپس یکی از فرسای پیرامون تغییر تحولات جامعه و حرکت ضد امپریالیستی توده ها و نقش بورژوازی و ارتجاع را در نتیجه نتانم گذاشتن انقلاب و اینکه اینان نمی توانند ضد...

برود شرح ماجرای اشغال و تصرف یک ساختمان بزرگ در امیرآباد به فرار پریاست: روزیازدهم آذرماه ساختمان امیرآباد توسط گروهی از مردم زحمتکشان اشغال شد چند ساعت بعد، افراد کمیته در محصل حاضر شدند و بمنظور فریب اشغال کنندگان و اخراج آنان ابتدا به حیل و نیرنگ متحمل شدند و با عنوان کردن اینکه گویا کمی پاشینتر یک ساختمان مناسب وجود دارد (!) سعی کردند مردم را از ساختمان خارج کنند. اما کمترین باهوشیار فریب این توطئه را نخوردند و تنها تعدادی از افراد خود را همراه کمیته ای هافرستاند ضعیفه میدان در ساختمان باقی ماندند بزودی شخصی شد که وعده «ما» مورین «کمیته» تخرالی و نیرنگی پیش نموده است، فردای آنروز (۹/۱۲)، گروهی ناگاه که توسط صاحب ساختمان فریبخته و اجیر شده بودند به ساکنین ساختمان حمله کرده وعده ای از آنها را جرح نمودند، بطوریکه بعضی از آنها به بیمارستان منتقل شدند. در همین اثنا افراد کمیته مجدداً حرسیدند و با تیراندازی هوایی سعی در متفرق کردن مردم نمودند.

همزمان با آن تعدادی از دانشجویان کوی دانشکده تهران، پس از اطلاع از ماجرا، سر رسیدند و کمترین متصرفین ساختمان نتوانند و بعنوان حمایت از اقدام انقلابی آنان، در جلو ساختمان، زنجیر کشیدند. دانشجویان مزبور با کمترین ساختمان، تعدادی از مهاجمین را دستگیر نمودند. ولی «ما» مورین کمیته پس از تحویل گرفتن دستگیرندگان، بدون هیچگونه احساس مسئولیتی آنها را آزاد کرد و مرتباً از دانشجویان می خواستند تا با تیرانداز کنند.

اما پس از آنکه اراده «صمم ساکنین» ساختمان و دانشجویان مواجه گشتند، خودشان ناامید شده و ساختمان را ترک کردند.

عوامل هیئت حاکمه طبقه عوامهای درویشی وعده های فریبنده خود میسنی بر تحویل ساختمانهای خالی سرمایه داران به «متصرفین» بی مسکن، هریار با اقدام انقلابی اشغال همین ساختمانها از طرف مردم، به حمایت از سرمایه داران سرخاسته و نه تنها زحمتکشان را از این تاراج کرده بلکه تا حدی مسلحه کشیدند به روی آنان نینبشرفته اند.

اقدام بوعود دانشجویان انقلابی بی برای حمایت و شرکت در این حرکت، زحمتکشان که بختر از مبارزات و موکراتی، وضد امپریالیستی توده هابنمار می رود، با یازدهم غرور هر چه بیشتر مستغنی جنبش دانشجویی به سمت پیوند با جنبش توده ها میباید. دانشجویان انقلابی بی مسئولیت امپریالیستی و بیوفه دانشجویان م- ل میا پیش از پیش و با توجه به شرایط انقلابی انلاسی جامعه ما در جهت ایجاد پیوند عمیق جنبش دانشجویی با جنبش اوچگیرنده ضد امپریالیستی توده هابنکونند.

هر چه متحکم تر یاد پیوند دانشجویان انقلابی با زحمتکشان!

شیرک دانشجویان انقلابی در مبارزه زنجیر کشیدن امیرآباد

بدنیال حرکت انقلابی زحمتکشان در جهت صداره ساختمانها و آپارتمانهای سرمایه داران فراری در مقابل نظیر «خاک سفید» «حلب آباد» و... و نینبش اشغال انقلابی ها تل ها توسط دانشجویان انقلابی، اخیراً این نهفت اوج یافته است و در حال حاضر تعداد زیادی آپارتمانهای خالی که اغلب صاحبان آنها فرارند، از طرف مردم زحمتکشان اشغال شده است. از جمله تصرف یکی از ساختمانهای بزرگ در خیابان «کارگر» شمالی (امیرآباد) و همیدین «یوسف آباد» را میتوان نسام

پیام مشترک... تاریخ مبارزات انقلابی خلقهای ایران بی پایه و اساس بودن این مدعا را بخصوصی نشان میدهد.

رژیم حاکم از ترس همین موضوع است که امروز حتی کوچکترین اشاره ای به مبارزه دانشجویان انقلابی در ۱۶ آذر ۳۲۷ و سالهای بعد نمی کند و سعی مینماید تا اهداف آنرا وارونه جلوه دهد و در دست همانند تبلیغات تحریف دهنده و خلاص واقعیت درباره مبارزات کمونیستهای انقلابی در زمان شاه یقیناً به نفس دانشجویان کمونیست همی اشاره ای نخواهد کرد. یلی باقیبویان انقلابی از مبارزات و ایمن حقیقتی است که دانشجویان انقلابی هیچگاه به خاطر مدح و تشاکیب کسی به مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع نرسنی خیزد و اینرا خط سرح میسارارت. دانشجویان انقلابی از مبارزات گذشته قان کویه به اثبات رسانیده است.

اگر برون دانشجویان رزمنده انقلابی بدست رژیم شاه جبر در دانشکدهها و سرامر میهنان شهید می دند در امروز نیز ادامه دهند، ۳۰ راسین راه همان انقلابیون به بالاترین مراحل مبارزات انقلابی دست یافته و همراه با خلق زحمتکشان بدست مزدورول هیئت حاکمه کمونیستی تبادت را با اقتضای هیئت حاکمه گونستی خون سرح رمیق شهید ناصر توفیق یاسان که به اید توفیقی ایران ایبه کارگرداست یافته بود و در بیکار کارگران قهرمان اصعبان بدست مزدوران هیئت حاکمه شهید گردید. گواه این مدعاست و خون سرح سایسدر دانشجویان انقلابی، و نقای به خون خفته مان، احسن و شهیدان را شهید، بیما حیرت امپریالیستی که در کار خلق قهرمان کرده است، آغوش نهدارت نتافتند و در عمل نتانسان دادند. ایران کمونیستها، آزمان خلقها، ینان می باشد. منت محکمی است، دهان ارتجاع حاکم و امپریالیزم خونخوار آمریکا، کمونیست! از بر نمی هرا نینبند، این راه سرح آنهاست که همواره در کنار زحمتکشان میهنمان با نند، و دوشادون آنها مبارزه کنند و قهرمانان شهید شوند.

هیئت حاکمه فعلی سعی دارد با تحقیر کردن و نینبشکار نغز آنها را ناچیز سازد، بنامد و مبارزات این بایند، توده هاراد رابله ناایه فراموشی سپارد، هیئت حاکمه فعلی با تصویب قوانین ارتجاعی

امیرالیست ها علیه غم تضادشان ، باید دیگر وحدت دارند!

پنجشنبه ۱۵ آذر ماه
۱۳۵۸ - شماره ۱۶۰۹



سکو - خیرگزاری
فرانس - روزنامه پراودا
ارگان - خیزه کسب و صنعت
شوروی - همسین پست اوکرایت
ایران بوست - آمریکا صمیم
کره است آتش پسران
روابط ایران و ایالات متحده
را تیزتر کند و آن را یکی
از خبیرین برخورد های
بین المللی پس از جنگ
جهانی تبدیل سازد .
پراودا و اشکن را مهم
کرده است که با دست زدن
به یک مبارزه ضد امرایی
چنانچه میخواهد خاندان
سفات امریکا را مقدم کند
مبارزه طلبی که صلح جهانی
را بخاطر خواهد گذاشت

پراودا که نویسنده آن
مالکسی پلورده عضو
کمیته مرکزی حزب کمونیست
شوروی است در محافل
سیاسی جهان مورد تمسح
های گوناگون قرار گرفته
است .

مقابله با نهضت های رهاس بخش برای
جلوگیری از بهم خوردن صلح بین المللی .
رویزویست های خاشن حاکم بر شو
انقلابات اصل رهاس بخش رانه تنها
تجزیه نکرده وه صلاح نمی دانند بلکه اثر
خطری برای برهم خوردن تعادل بین المللی
و اختلال در روابط " ارد و گاموسیا لیسم "
با " امیرالیسم آمریکا " تلقی می کنند .
از نظر ما هیچ جای تعجبی نیست . زیرا
تصمیم مبارزات ضد امیرالیستی توده ها
که خارج از اراده و کنترل هیئت حاکمه
کوتی که در صدد مهار زدن و سوزاندن بر
آن است ، جریان می یابد و در ادامه
خود به برانداختن و قطع کامل سلطه و نفوذ
همه امیرالیست ها در ایران موقراری جمهوری
د موزکراتیک خلق منجر خواهد شد . و در
آسورت تمامی حسابگرها و برنامه ریزها
سوسیال امیرالیسم روس و توگران بومیستان
بهم خواهد ریخت .

خواست توده ها را " استرداد " شاه
جلوه دهد !
علاوه بر آن ، ناراحتی شدید خود را از اینکه
کاخ سفید سعی نمی کند " یک راه عمل
مسالمت آمیز " برای بحران " روابط ایران
و آمریکا " جستجو کند ابراز می نماید . وعدم
" خونسری و احساس مسئولیت " محافظ
امریکایی را در مورد " بگاردن زور " به جای
یافتن " راه مسالمت آمیز " نکوشتی می کند .
یعنی در حقیقت از امیرالیسم آمریکا تقاضا
می کند قدری انصاف بخرج داده و بینه
خواست عادلانه خلق ایران (البته از دید
آنان هیئت حاکمه ایران) در مورد استرداد
شاه رسیدگی نماید و کاری نکند که اتش
" بحران " روابط ایران و ایالات متحده
" به یکی از " وخیم ترین برخوردهای
بین المللی پس از جنگ جهانی " تبدیل
شود .

در حالیکه هر روز روحیات ضد
امیرالیستی توده ها پیش از پیش اوج میگیرد
ومی رود که کنترل مبارزات خلق از کف
هیئت حاکمه ضد انقلابی خارج گردد .
و در شرایطی که موج نوین حرکات ضد
امیرالیستی طبعی غم خواست مبارزگان ، به
خطری جدی برای امیرالیسم آمریکا
و بدنیال آن دیگر امیرالیست ها در ایران
بدل می گردد ، زمامداران سوسیال
امیرالیسم روس که از طریق عمال بوموسی
خود در ایران ادعای در ضمن حمایت
از مبارزات " ضد امریکایی " توده ها
را دارند ، کاسه صبرشان لبریز گشته
و از کشتن خسرو ضد امیرالیست
خلعهای ایران ، در هر اس امتیازه اند .
و این وحشت خود را از طریق گو ناگون ، بنمایش
گذاشته اند .

شرم آور است! از امیرالیسم آمریکا میخواهد
تا " احساس مسئولیت " کند!
احساس مسئولیت امیرالیسم در قبال چه و
که می تواند باشد جز در قبال سرمایه انحصارا
عول بیکر شرکت های چند ملیتی و جز در قبال
ضد خلق و ارتجاع ؟ در این صورت تقاضای
" احساس مسئولیت " کردن از امیرالیسم از
جانب چه نیرو هایی می تواند صورت گیرد ؟ آیا
این نیروی تواند جز ضد خلق (ارتجاع و
امیرالیسم) باشد ؟
آنطرف این نصیحتیه امیرالیسم آمریکا ،
این هشدار به خلق ایران نهفته است
که بیاد درگیریک نبرد تعیین کننده
وجدی با امیرالیسم آمریکا شده و کار را از این
حرف ها بگذراند ! زیرا چنین کاری خطر
نان است . آری امیرالیست ها جنگ را با
جنگ جهانی امیرالیستی می بیند و

حمایت شرم آور نبوده " شوروی از محکوم
ضد گسروگان گیری جاسوسان امریکایی
در ایران توسط شورای امنیت " و نیز موضعگیر
" الکسی پلورف " ، عضو کمیته مرکزی
" حزب کمونیست شوروی " در روزنامه
" پراودا " در زمانیکه توده های قهرمان
شوروی امنیت " ربه باد متسخر گرفته
و فریاد " مرگ بر امیرالیسم " آنها را سر میهن
ما را فرار گرفته است ، بخوبی ماهیت با صلح
حمایت " ارد و گاموسیا لیسم " (!) را از
خلق ایران نشان می دهد . مقاله " نامبرده
به گفته های یکی از همزه های انحصارات
امریکایی " ادوارد کندی " برای اثبات
" حقیقتی " مبارزات خلق ایران ، استناد
کرده ، سعی نموده است ، حداکثر

شرم آور است! از امیرالیسم آمریکا میخواهد
تا " احساس مسئولیت " کند!
احساس مسئولیت امیرالیسم در قبال چه و
که می تواند باشد جز در قبال سرمایه انحصارا
عول بیکر شرکت های چند ملیتی و جز در قبال
ضد خلق و ارتجاع ؟ در این صورت تقاضای
" احساس مسئولیت " کردن از امیرالیسم از
جانب چه نیرو هایی می تواند صورت گیرد ؟ آیا
این نیروی تواند جز ضد خلق (ارتجاع و
امیرالیسم) باشد ؟
آنطرف این نصیحتیه امیرالیسم آمریکا ،
این هشدار به خلق ایران نهفته است
که بیاد درگیریک نبرد تعیین کننده
وجدی با امیرالیسم آمریکا شده و کار را از این
حرف ها بگذراند ! زیرا چنین کاری خطر
نان است . آری امیرالیست ها جنگ را با
جنگ جهانی امیرالیستی می بیند و

منتشر شد:

۱. **توجه شوروی ها نسبت به امریکاییان (۱)**
انتقاد آلبانستان از ادب پروری
بنصحت شخصیت دومین عالم دین آلبان
آدم

۲. **توجه شوروی ها نسبت به امریکاییان (۲)**
چرا نیروهای ضد خلقی (از جمله رویونیستها)
گونیستها را وابسته می نامند؟
بعضی به دانشجویان باصلاح دملکرات

۳. **توجه شوروی ها نسبت به امریکاییان (۳)**
علیچین آنکاراف
تقدیم مقاله (معال) و زلفه در کونفرانس (اشکوری)
انتقاد علیه

۴. **توجه شوروی ها نسبت به امریکاییان (۴)**
اعلام انقلابی
جنبش دانش آموزی
و راست روی نهضت پیشگام

۵. **توجه شوروی ها نسبت به امریکاییان (۵)**
نگاهی به مواد قانون اساسی
ولایت فقیه ، گشت دین گوی که بر سر
مردم می رود
(از کتبخ) نقل از نشریات پیکار

منتشر می شود:

۱. **توجه شوروی ها نسبت به امریکاییان (۱)**
دیده تشکیل
و دم خیز دیگر:
استان

۲. **توجه شوروی ها نسبت به امریکاییان (۲)**
فصلت سرمایه داری و روابط تولیدی
در آنگاد شوروی
آغاز: بهروز شماره ۵ - ۱۹۷۸

۳. **توجه شوروی ها نسبت به امریکاییان (۳)**
دینساند
دو نالکیت سوسیال دموکراسی
(نشین)

۴. **توجه شوروی ها نسبت به امریکاییان (۴)**
چشمی فانی خلق ، پیشگام
مجاهدین خلق
و آغاز سال تحصیلی در دانشگاه

۵. **توجه شوروی ها نسبت به امریکاییان (۵)**
سرمه های انقلابی آمریکا
ضد کمونیست شوروی آمریکا
سازمان جوانان حزب کمونیست شوروی آمریکا

مشی چریکی....

مارس سال ۱۹۱۲ تعداد انقلابیون آگاه در روسیه زیاد بود؟ (لنین - وظایف پرولتاریا در انقلابها ص ۴۶۷)

رفقای پیشگام می گویند: هرگاه تفکری جدید در یک جریان پیدا شود یا توجه به اصول دموکراتیک حاکم برجریان چنانچه این تفکر بتواند حقیقت خود را نشان دهد. همه جریان را تحت تاثیر قرار داده و خود به جلوسرود، کل سازمان موضوع جدید می کند، نمونه همین حرکات تکاملی، تکامل سازمان ج. ف. ن از نظرات رفیق احمدزاده بسط نظرات رفیق جزینی و نیز بسط برگزاشتن نظرات رفیق جزینی در سازمان است. در هر دو مورد نظرات جدید نتوانستند حقیقت خود را در سطح سازمان تثبیت کند و در واقع کسل سازمان را دچار تحول گردانند (قیام و اکتویسمها، ص ۴۷)

دانشه باند حاکم می شود. کمونیستها با کمک مبارزه طبقاتی با هراندیشه ای رهبر میشوند و آن بطور انقلابی برخورد میکنند. اما روشنفکر خرد بزرگوایدون اندیشه و تفکر بد نهال نظر حاکم روان میشود و تئوریش نیز اینست که هر نظر اگر حقیقت داشته باشد حاکم میشود، پس زنده باد نظر حاکم، چرا که اگر حقیقت نداشت حاکم نمی شد! دیدگاه مش چریکی چنین است، درستی نظرات با محک مبارزه طبقاتی، بسط مدک مارکسیسم - لنینیسم نتیجه شده نمیشود، با نظر حاکم منجمد میشود. تابعیت کورگوانه و آنچه حاکم است حقیقت دارد و ویژگی مش چریکی است. کهنایست با بیروکراتیک - به فرمان انبالا - به جدائی کامل از توده و به رویزونیسم مانجا رفقای پیشگام با این جملات بیشتر انحرافشان را از مارکسیسم - لنینیسم نشان می دهند و دید "میرد و میرا در" و برخورد غیر دیالکتیکی و "غیر دموکراتیک" را با تشکیلات چریکی عریان می کنند:

بگذریم از اینکه بهیچوجه "تعمیر ماهیتی" در حرکت سازمان فدائیان دیده نمیشود. ماهیه فریضه "هواداران" چنین تعمیر ماهیتی را نیز دیده اند. از کجایند این "تعمیر ماهیتی" حرکتی درست است هیچ محکی نمی بینیم نه "شرح و تدریس" تئوریزه شدن "آن" و نه یک مبارزه تئوریزه صحیح اما رفقای پیشگام و دیگر هواداران - "تعمیر ماهیت جدید را با استدلال نوسخ پیشگامی می پذیرند" چون حقیقت در "چرا حقیقت دارد" چون همه جریسان در تحت تاثیر قرار داده ما خود به جلو برده است. رابطه هیرارشی پدرسالارانه فرمان انبالا و دیدگاه بیروکراتیک رویزونیسم که با نفعی کامل دموکراتیک سازمانی همراه است از انضام بخشهای رفقای پیشگام خود را می نمایاند:

اما رفقای پیشگام طبرعم لنینیسم. برای توجیه حرکت کورگوانه و تابعیت غیر دموکراتیک از نظر حاکم به "حقیقت" تمسک می شوند. نه رفا چه بسا اندیشه هاشی که بسیار بسیار "حقیقت" دارند و "حقیقت" خویش را با راهها به اثبات رسانده اند اما هرگز حاکمیت نمی یابند. چرا مثلا لیکنکشت شکست میخورد و رویزونیسم بر حزب سوسیال-دموکرات غالب میشود. آیا لیکنکشت نتوانسته است حقیقت خویش را اثبات کند؟ هزار بار اخیر. اندیشه اش حقیقت دارد، اما امپریالیسم آلمان موفق شده است که به قیمت غارت خلقهای تحت ستم یک قشر آریستوکرات کارگری که پایه هسنای رویزونیسم در جنبش کارگری است ایجاد کند مدین خاطر است که لیکنکشت طبرعم اثبات حقیقت شکست میخورد و بخش اعظم حزب بد نهال رویزونیسم - اما این دیدگاه چریکی چگونه به رویزونیسم خدمت می کند؟ طبعاً هواداران را در یک رابطه بیروکراتیک و فرمان انبالا ضعیف دموکراتیک که چشم به نظر حاکم که "حقیقت" دارد درخته اند، قرار میدهند و از طرف دیگر هر نظر رویزونیستی را که بر سازمان یا حزب حاکمیت یابد بعنوان نظر دارای "حقیقت" عمل تعصیب می دهد. بدین ترتیب خروندوف ها و تنگ نیا شیمکیها و کاتوتسکی هالاب "حقیقت" خویش را اثبات کرده اند! که برزم پیشگام "همه جریان را تحت تاثیر قرار داده ما خود بجلوسروده اند"؟! آری اینبار نیز تفکریهای چریکی و نظریه بردازیهایی پیشگام به خدمت توجیهی تهرات رویزونیستی درمی آید. فراموش نکنیم این گفته لنین را که:

۱۹۱۸/۱ (نامه داد)

جریانی رفتارندوم و...

نیز خنثی شده است را، بعنوان "تحکم کننده استقلال اقتصادی کشور و وضع حاکماتان - جلوگیری از استثمار" (!!) قطدار - میکند حتماً "مغولان استثمار هم در فاسوس رویزونیسمها مفهومی غیر از مفی مالکیت خصوصی دارد و گویا میتوان با تعمیم از دست مالکیت خصوصی و "شروعیت" دادن به آن، از استثمار جلوگیری نمود!! اینجاست که دم خروس بیروزاری از "دیکان غلزانین" سردر میآورد. کمیته جی هوادار اعلامیه فوق - اندکرمینویسند:

خواه اراگان حاکمیت مستقیم توده ها بوده و خود هم ثانویت ابروم جبری آن - است؟ پس این دیگرچه شورائی است که حدود وظایف و اختیارات آنرا قانون تعیین کند. آنهم این قانون دستخیز خبرگان؟ و از طرف دیگر اساس "ولایت" معیه "مگر خود نفی آشکار حاکمیت توده ها و تصغر گرفتن شوخواه نیست؟ تعزب توده به قانونی رای مثبت میدهند که با منطبق بغایت ارتجاعی و قرون وسطایی خود، حق برابرین و مرد رانان دیده گرفته و این عمل در واقع به نمی از جامعه ما توهمین نموده است. حزب توده به قانونی رای مثبت میدهد که ابتدائی ترین حقوق دموکراتیک توده - آزادی بیان، قلم، اجتماعات و... - را پامال کرده و حق تعیین سرنوشت و حق خود مختاری ملیونها نفرا خلقهای همبرمان کرد، ترک، ترکمن، عرب و بلوچ رانان دیده گرفته است. رویزونیستهای جز. توده همچنانکه در جریان انتخابات "مجلس خبرگان" با کاندید نمودن خلخالی، این جلا در خلق کرد، دشمنی خود را با این خلق دلاور نشان داده و بهنگام بسوزش معمول و رووشیانه ارتجاعی حاکم چینی کرد ستان نیز در کنار رویزونیستهای چینی - اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر و "سازمان ضد انقلابی" باز زن - انگهائی همچون "عامل بالینان" "عامل

امپریالیسم آمریکا" و "ضد انقلاب" - به خلق کرد و سازمانهای انقلابی اش - قضایی ارتجاع حاکم صده گداشت. اکنون نیز برای مثبت دادن به قانون ارتجاعی دستخیز "خبرگان"، به تائید هیئت حاکمه و تمام عملکردها و جنایاتش در کردستان، ترکمن صحرا، خوزستان و... دست زده و یکبار دیگر نشان داده است که در کنار ارتجاعی ترین جناح هیئت حاکمه قرار دارند.

پایان داده... جلوسرود سرمایه داری را گرفته... حقوق زن را در جامعه در نظر گرفته... جالب است که پیشتر اداتی هم ارائه داده که یکی "حذف مقام نخست وزیری و دادن اختیارات وی به ریاست جمهور!!" دیگری "ایجاد سازمان امریه معروف و نهی از منکر است" گروههای "جنبش مسلمانان مبارز" و "جاما" باینکه انتقادهای زیادی را به قانون اساسی وارد میدانستند ولی سرانجام نتوانستند "ارموضع" دموکراتیک انقلابی به قانون برخورد کنند و بیاری - مثبت دادن خود عملاً "آب به آسماب ارتجاع ریختند" حزب توده ایران صغنا اعلام میدارد که در هر نقطه ای که آیت الله خلخالی نامزد میباشند، به ایشان رای خواهند داد... (اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ۵۸/۵/۹) - از بد رویزونیستهای توده ای چنین جلا دی را میتوان "دمکرات" انقلابی "هم بحساب آورد زیرا وقتی که خلق کرد، "عامل امپریالیسم" و "ضد انقلاب" باشد، پس سرنگونتر "دمکرات" از آب در میآید!!



ودر میان دره های خفته و خاموش
چه سالها
نامتان را رودبارهای سرکشی کردیم
که در سنگلاخها جاری ست
چه سالها
چه سالها
نامتان بپرچم نبرد کردیم
ودر سرودهای خشم برافراشتیم

ما در کجای زمان ایستادیم
در کجای زمان
که در سیاهترین شبان نبرد میهنی
چشمان خیره ی ستارگان خونین
فرداهای قیام را
تکسرامی کند
ما در کجای زمان ایستاده ایم
در کجای زمان
که قانون سراسری زمین

تسوفان مداوم انقلابهاست
وآرمانهای سرخ
با گامهای انبوه تود معایکی ست
صیقلهای بی امان
پنداره های شیرین و درونیمت
آه
ما در کجای زمان ایستادیم
که از چارسوی زمین
طنین تلاطم فتح می آید؟

امروز
امروز
باز می آیم
با سرودها مان
نه در کوهساران
ونه در دشتهای دور
در قلب جنبش خلق بازمی آیم
با نام های طبرستان باز می آیم
آنجا که قریب های متحد مردم
میلاب و آرمی پیچد
انجا که حصاره های سازش موقت
مست میشوود
در زیر موج ضربه های توفان توده ای
آنجا که سرزمین افرازد بلند
فریاد آتشی ناپذیر بزرگ
آنوازه های خروشنده شما:

سرگ بر آمریکا
سرگ بر آمریکا



چه روزهایی
چه روزهایی :
فروریختن جوانه ها

بخون غلطان
در هم تنیدن خون

بایترانه های بدروشان
سورخ سورخ قلبهای دلیر
درخشم جوش خود تیان

آه
آری

چه روزهایی
چه روزهایی :
گوز گیاهان هرزه

بارشده های کاذب در یاد
و ماندن گلهای سرخ
باشعله های عاشق خود در روغ

ماندن

برای باز روئیدن هزار قامت برافراشته فریاد

ماندن

برای ریخته ماندن در فصل سرگ
ماندن برای خواندن سرودهای زندگی

بادانه های پنهان

در طول روزها مرد زمستانی
که از راه می رسیند

چه سالها
که نامتان را

در کوهساران به نعره بر آوردیم

ستارگان سوختند و
گلام سوزنده
بر آسمان نبرد میهنی، سرخ
شعله کشید :
سرگ
سر
آمریکا



اینجا کجاست
اینجا کجاست
که حتی با نام ماهها مان در آمیخته است
حما نهای شعله و نبرد

اینجا کجاست
اینجا کجاست
که روزها مان حتی

با خون آشکار بیگانه ها
مهر خورده است

اینجا کجاست
اینجا کجاست

که گردباد های نبرد
بی وقفه می پیچد
در دهلبره های زمان



شمس مرکب
نعل می کشید
بر دروازه های و لیس

و فصل برگریز
بر چاره های زمان می ناخت.



آه دوازه می آید
از دور ست
آز رماه

و بر می آید شعله و روش
زیانه می کشد هزار خاله خونین



از کوهساران می شنویم
از کوهساران
از یاد های شنویم
از یادها

از برند گاه و گیاهان
ما می شنویم
فریاد های آخرین تان را
ای سرداران بیگانه های پایان نیافته



چه روزهایی
چه روزهایی!
بر می آید بین نکست
پاران

دسته به دسته

به خان می افتادند
و درخت کهنسال خلق
سوخته آرائش مردادی

پیشتر می دید
گفادهای مسموم

برگهای جوانش را
به پند می برد

هرسو

پاسخ ارتجاع به دانشجویان زندان، گلوله و...

در حالیکه چهار دانشجوی زندانی دانشگاه اهواز در زیر شدیدترین شکنجه های آریامیری هیئت حاکمه
بسر می برند، در حالیکه دانشجویان دانشگاه اهواز خواستار آزادی دوستان اسیر خود میباشند، ارتجاع
حاکم در روز ۲۸ آبان ماه با بسیج چاقی بدستان حرفه ای و شناخته شده خود، زیر حمایت "سپاه پاسداران"
مسلح به دانشگاه یورش برد و خواسته به حق دانشجویان را با گلوله و خنجر پلخ می گوید و بد نبال آن
دهها تن از دانشجویان را دستگیر و به دامنه های آریامیری روانه میسازد و برای توجه اصالح ننگین خود
به دزغیردای و عواقریبی مسئولین می شود.

اما رسوائی ارتجاع دیری نخواهد پاید!

دانشجویان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - اهواز

۵۸/۸/۲۹

رفقا! برای انگار هر چه گسترده تر
جباران دانشجویی و افشای عملکرد
هیئت حاکمه ضد انقلابی، اخبار
دانشکده های خود را برای ما
ارسال دارید.

